

سرآغازی نو در راه نزدیکی به غرب

پیرامون سفر گنشر به ایران

سفر سه روزه "هانس دیتریش گنشر" وزیر امور خارجه آلمان فدرال ، به ایران و توافقی سران جمهوری اسلامی با وی ، که پنجره تازه ای برآمده های امپریالیسم برای گسترش نفوذ و بازپس گرفتن مواضع از دست رفته اش در کشور ما گشود ، همواره رویدادهای دیگر این ماه را در سایه قرار داد. محافل امپریالیستی در آلمان فدرال ، آمریکا ، انگلیس ، فرانسه ، اسرائیل و ... با خرسندی بسیار سفر گنشر را "مرحله جدید" و "تحول بیسابقه" ای در راستای نزدیکی جمهوری اسلامی به غرب ارزیابی کردند . سران جمهوری اسلامی نیز این ارزیابی ها را بسیار ژست های وسوسه انگیز و ترغیب کننده ای استقبالی کردند و با همه توان کوشیدند "اعتمادها" و "امیدها" ی به دست آمده را تحکیم کنند .

هانس دیتریش گنشر ، در سفر به ایران دو هدف ف همبسته را دنبال می کرد ، یکی تسریع روند نزدیکی جمهوری اسلامی به غرب و "اطلاع مناسبات آن با آمریکا ، و دیگری گسترش و تحکیم روابط اقتصادی غارتگرانه آلمان فدرال با حکومت ایران .

امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا برای هدف نخست ، اهمیت درجه اول قابل بود و محافل امپریالیستی عمدتاً در همین زمینه به بررسی دستاوردهای سفر گنشر مشغول شدند .

سفر گنشر بعنوان سفر غرب از مدت ها پیش تدارک شده بود ، به استناد آنچه محافل امپریالیستی فاش ساخته اند ، سفر گنشر در جریان کردها میسی سران هفت کشور امپریالیست در لندن مطرح شد .

مخصوصاً آمریکا در جریان تدارک این سفر قرار داشت و بدون شک در تنظیم برنامه آن سهم بود . مناسبات مختلف غربی از جمله روزنامه "فرانکفورتس آلگماینه" تایید میکند فاش ساختن آنکه جرج ولتر ، وزیر امور خارجه آمریکا با دولت آلمان فدرال مشورت های لازم را دربار این باره انجام داده است .

آقای گنشر برای اینکه سفر خود را به سودگسلی غرب و در مرکز همه انحصارات آلمانی به نتیجه برساند ، با پیداست پروکاشاد و رهبران جمهوری اسلامی به گفتگویی نشست . این امر در گرو آن بود که وی از "راه حل های مورد علاقه فرانسه" که یکی از مراکز عمده تجمع مخالفین خمینی است ، از "راه حل های" مطلوب انگلیس که همچنان مناسبات وسیع اقتصادی با ایران دارد ، از تمایلات ایتالیایی و ژاپنی که دوستان ثابت قدم ارتجاع حاکم بر ایران هستند و بالاخره از پیشنهادهای رژیم های ترکیه و پاکستان ، یعنی برادران دینی "حکومت آیت الله خمینی" ، کاملاً آگاه می شد . جمع بست گزارشی از منعکس شده روشن می سازد که دولت آلمان فدرال ، طی چند ماه تدارک سفر گنشر اقدامات فوق را به دقت انجام داده است و در جریان مذاکرات گنشر در تهران آن را با بنحوی مطلوب امپریالیسم استفاده شده است .

بقیه از صفحه ۲

پاسخ توده ها به کودتای ۲۸ مرداد

۳۱ سال پیش برای تودکودتای آمریکا بی ۲۸ مسرداد ، رژیم سلطنتی وابسته به امپریالیسم شاه ، که میزبانی در نتیجه جنبش ملی مردمی سالهای ۲۰-۳۰ برای همیشه سرنگون شده و به زیاده دان تاریخ افکنده شود ، محذره مردم ما تحمیل شد .

آمریکا ، انگلیس و ارتجاع داخلی با سازماندهی تدارک و اجرای این توطئه شوم توانستند جنبش ضد امپریالیستی مردمی آن سالها را خفه سازند و سلطه غارتگرانه خود را حفظ کنند . در این ریهلوی که زنده ای بزرگترین سرمایه داران و زمینداران اروپا بسته به امپریالیسم بود ، با سیاستهای به شدت ضدملی در عرصه های داخلی و خارجی ، منافع ملی میهنمان را به مفت در اختیار امپریالیستها گذاشتند ،

دیکتاتوری و فحان عنان گسیخته را به مردم تحمیل کرد و تمامی احزاب ، سازمانها و نیروهای انقلابی و مترقی را تحت بیگرد و سرکوب قرار داد . تمام مسی شکل های مستقل کارگران و زحمتکشان را در هم شکست و با بستن قرار دادهای ننگین کشور ما را با صدها رشته به امپریالیسم وابسته کرد .

بقیه در صفحه ۵

"هفته جنگ" را به هفته اعتراض علیه جنگ تبدیل کنیم!

در آستانه چهارمین سالگرد جنگ ویرانگر ، سایر دیگر حکومت آماده می شود تا "هفته جنگ" برگزرا کند . سرمداران رژیم همه مکانات خود را بسیج می کنند ، فاشاید در "هفته جنگ" بن بست و شکست خویش را توجیه کنند و با زهم "هیزمی" برای تسخیر آدم سوز جنگ گره آورند .

پس از شکست عملیات خونین "الفجر" و "خبر" تا امروز ، رژیم با فضا را جبار به سربازگیری و گسیل نیروهای هرچه بیشتر به جبهه ها مشغول بوده و چندین ماه است که رژیم با بسیج همه امکانات تعداد کثیری پانداروسریا و بسیجیوزیر آفتاب سوزان خوزستان و بیابانهای عراق در نظر رکشت و گشتا سرگردان کرده است ، اکنون سرکردگان جمهوری اسلامی که از شکستی دیگر در هراس و از صلح گریزانند ، همچنان انگشت بر ماشه می سبند ، آنها بر ضد مصالح ملی و میهنی ما ، و بر خلاف خواست و نیای مردم میهنمان ، همچنان سیاست ادامه جنگ را تبلیغ می کنند و همگان یاوه های گذشته را تکرار می کنند .

امادرمعمل ، رهبران جمهوری اسلامی امید خود را برای "پیروزی در جنگ" آنگونه که آرزوی گریزند ، دیگر از دست داده اند . جمهوری اسلامی ، راه نجات از این بن بست را نزدیکی به غرب و جلب حمایت آن میداند . آرزوی دیگر امپریالیستها ، سیاست ادامه جنگ حکومت و بن بست کنونی را بهترین شرایط برای تسلیم بیش از پیش حکومت جمهوری اسلامی تشخیص داده اند . آمریکا و هم پیمانهای آن ، از یک سو بر بستن ادامه جنگ ایران و عراق ، و همچنین توطئه های جدیدی برای تحکیم مواضع خود علیه کشور ما و گسترش نفوذ خویش در سراسر منطقه خاور میانه

توجه سفاهی و اعتراض سازمان در مقابل جنگ ویرانگر ،

بویژه از طریق تکتیر و بیخ تارکت در همه مکانهای ممکن و بردن شعارها و رهنمودهای سازمان روی دیوارها ، حضور هر چه فعالتر فداییان را در عرصه مبارزه بخاطر صلح قوی اعلام دارند . در جریان تدارک و برگزرای "هفته جنگ" از سوی رژیم تبلیغ وسیع علیه جنگ در سطح جامعه و در محیط های کار و زندگی مردم ، مضمون عمده فعالیت تبلیغی فداییان خلق است . مضمون عمده رژیم برای برگزرای هفته سالگرد جنگ و به راه انداختن نفاشهای خبیثانه با شعار "جنگ ، جنگ ، جنگ" پیروزی را با همه توان غشی سازیم ، مردم تسخیر هر چه گسترده تر باید ، تلاشهای رژیم را برای به راه انداختن تظاهرات خبیثانه در "هفته جنگ" بسا نرسازند و با دیگرعیان سازنده رژیم ، تنها به حزب جمهوری و نهادهای قدرت و ما مورسین خود متکی است .

مردم صلح دوست و همه سازمانهای انقلابی و میهن پرست ، باید در "هفته جنگ" ، با هرامکان و بهر شکلی که مقدور باشد ، در کارخانه ها ، روستاها ، ادارات ، مکانهای تجمع عمومی ، خیابانها و میدانها ، اعتراض خود را به ادامه جنگ آشکار سازند و اراده خود را برای برقراری صلح رسالت از هر زمان اعلام نمایند .

سازمان ما ، همانگونه که بارها اعلام کرده ، مبارزه هر چه موثرتر علیه جنگ را در گرو هماهنگی و اتحاد عمل همه سازمانهای انقلابی و میهن پرست می داند . ما از همه نیروهای صلح دوست ، از همه سازمانهای مترقی دعوت می کنیم که اعتراض علیه ادامه جنگ را در سالگرد جنگ تشدید کنند .

جنگ را به اعتراض علیه جنگ تبدیل کرد ●

توطئه های زبوانه علیه فدائیان

تجاهیبی سرانجام ارتجاع علیه فداییان خلقی همچنان شدت بیشتری می یابد ، با ساداران رژیم در تهران و شهرستان تلاشهای جنون آسایشی برای دستگیری فعالین سازمان فداییان خلقی ایران (اکثریت) ، بویژه رهبران سازمان انجام می دهند . در نتیجه این تهاجمات ددمنشانه در تهران ، خوزستان و مشهد عده دیگری از فداییان ما اسیر و روانه شکنجه گاهها شدند .

از مدتی پیش رژیم به انتقال عده ای از فداییان اسیر ، از زندانهای شهرستانها به تهران مشغول شده است . از جمله چندین تن از فدایی اسیر ما را از هوا زومشددیسه اوین منتقل کرده اند تا زیر شکنجه های شدیدتری قرار دهند .

بقیه در صفحه ۸

مردم ، علیه دولت ارتجاع

به دنبال تقاضای رای اعتماد موسوی نخست وزیر ، مجلس بسا ۱۶۳ رای موافق ، او را مسورد اعتماد خود شناخت و بدین ترتیب وی مجدداً در اس دولت قرار گرفت .

مجلس همچنین با تایید و ابقای کابینه موسوی - بجز پنج نفر در مجموع این کابینه را برای اجرا و ادامه سیاستهای تهاکوارانه ارتجاع ذیصلاح تشخیص داد .

موسوی ، ضمن بحث پیرامون کارنامه دولت ارتجاع در مجلس ، در حل و فصل مسایل اقتصادی کشور ، مبارزه با تورم و " ایجاد امنیت " را از خدمات مهم دولت خود خواند .

طی ۳ ماه گذشته که موسوی مشغول دولتست بوده است ، سرکوب خواستها و اعتراضات مردم و پورش به دستاوردهای انقلاب روز به روز شدیدتر شده است . سرکوب مبارزات کارگران و بیایما لکردن حقوق آنان ، تلاش برای تحمیل قانون کار ضد کارگری ایجاد تعویض سرمایه داران ، که انحصار اقدام مهم واردات کشور با عمده داشت ، با گرداندن کارخانه های ملی شده به سرمایه داران ، بازپس دادن زمینهای مصادره شده به مالکان ، گسترش همکاری همه جانبه با انحصارات بین المللی و پیشبرد سیاست ارتجاعی در عرصه بین المللی و دهها مورد دیگر از " شاهکارهای " دولت خدمتگزار ارتجاع بوده است .

در این مدت ، بیکاری و تورم و گرانی ، ابعاد بی سابقه ای یافت . در این دوران همه از ادبهای فردی و اجتماعی و حقوق دمکراتیک مردم میهن ما ، به سبانه ترین وجهی لگدمال شد . سازمانهای انقلابی و حشانه آماج تهاجم قرار گرفتند و جنایات بی سابقه رژیم ، افکار عمومی جهان را با متحیر ساخت . با چنین کارنامه نکست باری ، صحبت از " ایجاد امنیت " و حل و فصل مسایل اقتصادی کشور ، ادعای وی قبیحانه است . اقدامات

بقیه در صفحه ۵

پیشرو انقلابی و وظایف بنیادین کنونی

در صفحه ۴

جنگ را قطع کنید ، مردم صلح می خواهند

سرآغازی نو...

روشن است که در جریان تدارک سفر گنشر، مذاکره با تهران به منظور تضمین موفقیت این سفر اهمیت اساسی داشته است. سفر گنشر به همان اندازه که برای غرب براهیت بود، برای جمهوری اسلامی نیز اهمیت داشت. رهبران جمهوری اسلامی خواهان "موفقیت" هر چه بیشتر مذاکراتشان با وزیر آلمانی بودند و طبیعتاً پیشاپیش، همه امکانات خود را برای آرایه پاسخ مثبت به درخواستهای سفیر غرب واریسی کردند.

زمینه ساز اصلی سفر گنشر به تهران و امیدهای بی که امیربیلیستیا به آن بستند همانا شتاب گرفتن بیش از پیش روند دوستی و اتحاد با غرب و در سیاست جمهوری اسلامی است.

برای سرمایه داران و زمینداران بزرگ و درباری همه کلان تاجران که اینگونه بر مفسدات کشور مسلط شده اند، و بر طرف کردن هر چه سریعتر "سود" تفاهات "حکومت با غرب" سه ساله مرکزی است. "شاهراه" ای که کاروان سودهای بی پایان ایشان از آن می گذرد، همان "شاهراه" چپاول انحصارات امیربیلیستی است.

طبیعی است که حکومت آیت الله خمینی قسلاً از هر چیز دیگری منافع خویش است و این منافع هم، تقدیم مفت و مجانی دستاوردهای مبارزات استقلال طلبانه مردم به امیربیلیستیا را اجاب نمی کند، حکومت با هدف تامین منافع و تحکیم پایه های قدرت خود، مطابق معمول با پوششهای اسلامی و شرمی وزیر علم "نه شرقی نه غربی"، بر سر این دستاوردها به معامله می پردازد.

از سوی دیگر رهبران جمهوری اسلامی، در مقابل ملیتی که یکبارچه بیخاست و برای استقلال، خون خویش را نثار کرد، خود را بنیاد زنده نبوغ به پوششها و شیوه های هر چه فریبنده تر می بیند. از جمله شیوه هایی که آنها برای تسهیل روند نزدیک شدن امیربیلیستیا گزیده اند، استفاده از واسطه های اسلامی، چون ترکیه و پاکستان و امیربیلیستیا "بی خطر چون ایتالیا و ژاپن است، این واسطه ها" ضمن تامین منافع خویش، از یک سو دست امیربیلیستیا و از سوی دیگر دست جمهوری اسلامی را گرفته اند و قدم به قدم آنان را به سوی سفره عقد همراهی می کنند. رهبری جمهوری اسلامی دست "ازال" را می فترد، به کمک او از دست در دست گنشر می گذارد و به یاری این دونه سوی شولتزدست دراز می کند. سفیر او از ال نخست وزیر ترکیه، به ایران در اردیبهشت ماه تنوع بازی در اثبات این واقعیتها نیست. همان زمان روزنامه "جمهوریت" نوشت: "ترکیه که بعد از انقلاب اسلامی و جنگ خلیج همیشه روایتش با حکومت ایران به گونه چشمگیری گسترش یافته است، از یک نظر کارگزاران تماسی غرب محسوب می شود. یکی دیگر از روزنامه های ترکیه ضمن درج مطلبی در رابطه با سفر او از ال، درک ارتجاع ترکیه از وضعیت جمهوری اسلامی را اینگونه تشریح کرد: "حکومت آیت الله خمینی، با جدیت به تصفیه کمونیستها اقدام کرده و به مسوالات آن روابط تازه ای را با غرب آغاز کرده است. بنسب انگلیسی ها و با آلمانی ها وارد مذاکره اقتصادی گشته و خواهان گسترش روابط استراتژیک با غرب است. تلاشهای موشرا ایران در دیمان، همکساری اقتصادی منطقه ای، آرسی، دی، میان ترکیه، ایران و پاکستان، باید نخستین گام در توافق استراتژیک محسوب گردد."

گنشر طی سه روز اقامت در تهران، با خامنه ای رئیس جمهور، رفسنجانی، موسوی نخست وزیر و ولایتی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی به گفتگو نشست. رفسنجانی، سخنگوی رژیم در نماز جمععه تهران پیرامون موضوع مذاکرات گفت: "وقتی ایشان آمدند ملاقات من مطرح کردیم چند مسأله. درایم، سه مسأله، یکی جنگ است، یکی حقوق بشر است و یکی روابط خودمان. ما گفتیم اتفاقاً هر سه مسأله خوب است که مطرح کردید. پیش از پرداختن به موضوعات کتمان شده مسایلی را که رفسنجانی شمرد، بررسی می کنیم.

توجه زیر نام "حقوق بشر"، از سوی گنشر طرح شد و مورد استقبال سردمداران رژیم اسلامی قسرار گرفت. با آنچه مفهوم واقعی حقوق بشر را تشکیل می دهد، بکلی متغایر است. "حقوق بشر" در اینجا اساساً پوششی برای یک تاکتیک رژیمانه است. شک نیست که افکار عمومی در کشورهای اروپایی به شدت علیه اقدامات تمسکات جمهوری اسلامی در قبائل نیروهای ترقیخواه کشور است. دولتهای غربی نیز که نمی توانند بکلی نسبت به افکار عمومی بی توجه باشند، می کوشند تا خود را مدافع "حقوق بشر" وانمود سازند.

آقای گنشر قبل از مزیت به ایران، در جریان کنگره سراسری حزب لیبرال آلمان فدرال، ملاقات با مهدی ابریشمی نماینده سازمان مجاهدین خلق ایران را پذیرفت و با وی دیدار و گفتگو کرد. آقای گنشر، با اینگونه اقدامات حساب شده خود، به جمهوری اسلامی تفهیم کرد که چونکه کسی برخورد غرب با یوزیسویون و "حقوق بشر" به چگونگی برخورد جمهوری اسلامی با غرب بستگی دارد. در تهران نیز، وقتی آقای گنشر تقاضای مذاکره را تا بدین حد دوستانه دید، سر رشته رای دست رفسنجانی داد تا به جای "حقوق بشر"، "تروریسم" را پیش کشد و به جای اقدامات تروریستی حکومت ایران، سازمانهای انقلابی و مدافعین واقعی حقوق بشر آماج حمله قرار گیرند.

جمهوری اسلامی با درک منظور اصلی گنشر از "حقوق بشر" موافقت کرد یک کنفرانس مشترک از نمایندگان دو طرف تشکیل شود تا به مسأله "حقوق بشر" رسیدگی کند. گنشر در بازگشت به آلمان سخنی از نقض حقوق بشر در ایران نگفت، و در عوض با لحنی پر معنی و حاکی از همدردی اظهار داشت که شکایات پذیرفته شده عراق ایرانی خصوصاً متوجه فرانسه بوده است.

در گفتگو پیرامین جنگ ایران و عراق نیز، گنشر کوشیده به رهبران جمهوری اسلامی تفهیم کند که اینکا در دست غرب است. رفسنجانی پس از دیدار با گنشر طی مصاحبه ای با خبرنگاران داخلی و آلمانی گفت: "نقطه مثبت قضیه در این مذاکرات، این بود که برخلاف سایر میهمانان که تا به حال داشتیم آقای گنشر با مراحت مذاکرات پذیرفتند که عراق متجاوز نبوده و جنگ را عراق شروع کرده است.

این سخن گنشر که چنین، در رهبران جمهوری اسلامی راه و چرخه آورد، درست در زمانی مطرح شد که حکومت درین بست جنگ دست و پا می زد و نه توان پیشروی دارد و نه تمایل به صلح. ارتجاع حاکم که پس از ناکامیهای پیایی در جنگ، به جلب حمایت غرب مشغول شد و کلید "پیروزی در جنگ" را "آنجا می جست، و اینک در تلاش جلب حمایت غرب برای نجات خود ازین بست است. این وضعیت در عرصه خطرناک سیاسی امیربیلیستیا درست همان وضعیت است که حریف بایک حرکت باید تسلیم شود.

آمریکا و همسند آن که در آغاز روند نام جنگ نیز سرشته درست داشتند بدون شک نهایت کوشش را خواهند کرد تا در روند قطع جنگ نیز سرشته را درست خود حفظ کنند و با زیر آتموم کمال به سود خویش به انجام رسانند. موضع گیریهای خیرفراسه که پیش از این در کشورهای اروپایی با جمهوری اسلامی رخا شده و تا مین کشنده اصلی تسلیحات عراق است، نمودار همین روند است. میتران اخیر در جریان سفر خود به اردن اعلام کرده که برای میانجیگری بین ایران و عراق آماده است. همزمان با آن نشریه فرانسوی لوموند نوشت: "اوضاع خلیج فارس، برائست در تحولات تدریجی درونی در حکومت ایران، می تواند بهبود یابد... وضع ایده آل آن است که ایران جای خود را در سیستم دفاعی مشترک غرب اشغال کند."

علاوه بر فرانسه، در آستانه سفر گنشر، آلمان فدرال، ترکیه و ممبرین بربرای میانجیگری اسلام تمایل کردند. اینهمه، چنان تنظیم شده که گنشر در "مناسبت ترین" شرایط، مذاکراتش را پیش برد. گفتگوهای گنشر در تهران بر سرگسترش مناسبات اقتصادی جمهوری اسلامی با آلمان فدرال، پیوسته دیگری از خیانت ترجعین حاکم راه نمایش گذاشته است. ولایتی وزیر امور خارجه رژیم دربار، گستره روابط اقتصادی با آلمان فدرال گفت: "آلمان غربی اولین شریک تجاری ما در دنیا است و در سال گذشته میزان مبادلات تجاری ما و آلمان غربی حدود ۹ میلیارد مارک بوده است." از این رقم که ولایتی فاش ساخت، تنها یک میلیارد و صد میلیون مارک سهم صادرات ایران به آلمان فدرال است، که آنهم عمدتاً شامل بهای فروش نفت است. بقیه یعنی بیش از هفت و نیم میلیارد مارک، سهم صادرات انحصارات امیربیلیستی آلمان فدرال است. به ایران است. چنین عدم توازن استقلال کشی در روابط اقتصادی ایران و آلمان فدرال، بکلسی بی سابقه است.

ولایتی پس از مذاکره با گنشر اظهار داشت: "آلمان فدرال، در بسیاری از صنایع زیربنایی جمهوری اسلامی ایران مشارکت فعال دارد. در صنعت اتمی ما، در صنایع تلفن، برقی، ماشین سازی سنگین، صنایع شیمیایی... آلمان فدرال مشارکت فعال دارد." در جریان مذاکرات، برای گسترش فعالیت انحصارات آلمانی در همه این زمینه ها، خصوصاً در صنایع پرسیما به و شند و وابسته اتمی، موافقت حاصل شد. انحصارات آلمان فدرال، گنشر را به مناسبت این ره آوردهای غارتگرانه تهنیت گفت.

رهبران جمهوری اسلامی، به هنگام توضیح پیرامون مذاکرات گنشر در تهران، زندانه کوشیدند گفتگوهای مربوط به روابط جمهوری اسلامی با بزرگ غرب و بطور اخص آمریکا را کتمان کنند. اما نتایج مذاکرات و اظهارات مخالف امیربیلیستی به اندازه کافی پشت پرده راه نمایش گذاشت. روزنامه ها و رادیو تلویزیون آلمان فدرال، از مذاکره و دیگر کشورهای سرمایه دار و با اشتیاق تمام فاش ساختند که در جریان گفتگوهای سه روزه گنشر با سردمداران جمهوری اسلامی حتی یکبار هم سیاست آمریکا مورد انتقاد قرار نگرفت و همگی این رویداد را "گام بلند رژیم ایران به سوی غرب" ارزیابی کردند.

بلندگوهای آمریکایی اعلام کردند: "هانس دبتریش کنشروزی را مورخا رجه آلمان با خنثی سازی می گوید رژیم جمهوری اسلامی خود را ریبهودر و رابط با غرب است." گنشر چندین جا این موضوع را مورد تاکید قرار داد و کوشید توجه آمریکا و کشورهای اروپایی غربی را بیش از پیش به این خواست رژیم ایران جلب کند. روزنامه آمریکا و اشتیاق گنشر نیز، به نقل از نزدیکان گنشر نوشت: "... در سطح رهبری به ویژه هاشمی رفسنجانی ما بلند، ایران را از نوا خارج شده و برای بهبود مناسباتش با غرب اقدام کند.

رهبران جمهوری اسلامی پشت درهای بسته، آرزوه منعکس شده بسیار ریبختر رفتند. همه رویدادها گویا آنند که سران جمهوری اسلامی نهایت سعی را برای جلب اعتماد و حمایت غرب به کار بستند و کوشیدند تا متقابلاً گنشر را به مثابه سفیر "دستی" خود به سوی غرب بدرقه کنند و به کمک وی "حسن نیت" خود را به آمریکا تفهیم نمایند.

خامنه ای رئیس جمهور رژیم، در رابطه با سفر گنشر گفت: "با تاسف باید بگوییم که قدرتهای بزرگ جهان و بیش از همه آمریکا در رابطه با مردم ما دچار اشتباهات تاریخی شده اند. اشتباهاتی که شاید به آسانی قابل جبران نباشد" بسیاری از امیربیلیست آمریکا خود با راه مضمون همین گفته های خامنه ای را بیان کرده اند. "تاسف" از "اشتباهات" آمریکا به بیان روشنتر، بمعنی خرسندی از "رفع اشتباهات" آمریکا در قبالی جمهوری اسلامی، و در عمل یعنی خرسندی از تسخیر "اشتباهات" جمهوری اسلامی در قبالی آمریکا.

رهبران جمهوری اسلامی که هنوز هم عوام فریبانه می کوشند با طرح شعار "نه شرقی نه غربی" روابط خود را با غرب گسترش دهند، با توجه به سطح آگاهی ورش انقلابی تسود به مردم کوشش می کنند چرخش آشکار و پوربشود به سوی غرب پوشیده بمانند و بدین منظور سعی می شود اینگونه وانمود شود که گویا هیچ چیز در جمهوری اسلامی تغییر نگردیده و این غرب و آمریکا است که سیاست خود را نسبت به جمهوری اسلامی تغییر داده و لابد تسلیم شده است ولی امروز مردم ما آگاه و بیدارند و خوب می دانند که آنکه تغییر کرده جمهوری اسلامی است و نه غرب و آمریکا.

د دولت ریگان از دولت کارتر برتر است. دمنش تر و جنگ افروزتر است. آمریکا امروز بشریت را به لبه پرتگاه "جنگ هسته ای" کشانده و در هر گوشه جهان آتش افروخته است. موشکهای اتمی آمریکا روبره صلح، استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی نشانگیگری کرده اند و دستا هریمین یانکی بر ماشه نهشته است. اگر رهبران جمهوری اسلامی با این غریبتر سازش دوستی دارند، به دلیل متعطل شدن بیش از پیش روح اهریمنی در کالبد خود آنان است.

"هفته جنگ" را به هفته اعتراض علیه جنگ تبدیل کنیم!
چهار سال جنگ، کشور را ویران کرده است. هزاران جوان برومند را به خاک کشید و هزاران هزار ریندرو ما در شرف راه مسزای فرزندانشانده است. جنگ به نفع آمریکا است، به سودتاج روفشودا لهاست.
در هفته اعتراض علیه جنگ هر چه رسانست رفسنجانی را دکشیم:
ما آتش بس می خواهیم
ما صلح می خواهیم
فدائیان - اکثریت

استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی

آیت الله منتظری در دیدار با روسا و کارمندان سازمان مرکزی تعاضی، روستایی و شمای زبانه‌بازان مجلس حکومتی، درباره نقش دولت در مبادله کالا گفت:

"اگر ما به جای تعیین قیمت برای کالاها، غیر ضروری، تزیینی دهیم تا آن کالاها بدون مانع و مسئولیتی در معرض دید و خرید مردم قرار گیرد، طبیعتاً قیمت‌ها پایین می‌آید. وی گفت عده‌ای رجوع کردند و گفتند: رسول آله تعاضی اجناس را شما تعیین قیمت فرمایید، گفتند قیمت‌ها را شما تعیین کرده و مراد حضرت، همان عرضه و تقاضا بود. آقا ای منتظری، در مقابل مسلمانان مبارزی که مخالف اینگونه ایده‌ها و استنتاج‌ها هستند، گفت: این تفکر غیراسلامی در گوشه و کنار جامعه هنوز باقی نمانده است. می‌شود که بعضی‌ها با پولدار شدن و متمکن شدن بعضی دیگر مخالفند و چنین می‌پندارند که اگر مراد ایشان همه مردم فقیر باشند و با عده‌ای فقیر و متمکن، و آن عده متمکن از طریق اعانات، خیرات و تسنوع دوستی به بعضی دیگر کمک کنند، بنظر اینها بهتر است که همگی فقیر و غیر متمکن باشند و بنظر من این یک چپ‌گرایی و گفوت نظری است که در جامعه ما هنوز آثار آن دیده می‌شود و تفکر درستی نیست. یک ماه بعد، اوضاع نشان‌دهنده غیر مستقیم‌سازی آیت الله فقیه‌الافتاحی، منظور خود را از احوال و افکار غیراسلامی روشن تر بیان می‌دارد: "اما وایسل انقلاب عده‌ای که سونیت‌مندانند، فکرمی‌گردند که باید به تمام گروه‌های منحرف و حتی ملحد آزادی کامل داده شود. (۲۵ مرداد) اینگونه حرف‌ها و رهنمودها در خدمت سیاست‌های مردمی و کشورویران کن رژیم است.

یکی از خواسته‌های همیشگی سرمایه‌داران و زمین‌داران بزرگ و درلس است همه‌تجار بزرگ، در دوران پس از انقلاب، ضعیف کردن نقش بخش دولتی و در نهایت، از میان برداشتن هروع کنترل و نظارت و مسئولیت دولت، بر روندهای اقتصادی کشور بوده است. کلان سرمایه‌داران، در این عزم ادیما پیرو می‌کنند تا آنجا که بتوانند پیش می‌روند. همین واخربود که مجلس اول، اصل دولتی کردن تجارت خارجی را رد کرد و به جای آن، لایحه مطلوب کلان سرمایه‌داران را تصویب نمود. هنوز مرکز کسب امفای مجلس شورای نگهبان خشک شده است که کنترل نام و تمام بازاریابی توسط کلان تاجران مطرح می‌شود. به سخنان شیخ محمدزیدی نایب رییس مجلس توجه کنید: "وجود دوباره در مملکت، یک بازاریاد و یک بازاریاد دولتی چیزی نیست که صحیح باشد و نتواند در ما بیاورد. این بیساری است که باید هرچه زودتر اصلاح و درمان شود. از نظر تاجربزرگ که شورای نگهبان، نماینده برجسته آنها در این حکومت است، هر کالایی که صدور، ورود، تولید یا توزیع آن توسط آنها شود و بر باشد، مداخله دولت در آن مورد حرام و خلاف شرع است. قانون اساسی خود رژیم با صراحت تمام اعلام می‌دارد که بازرگانی خارجی در انحصار دولت است. اما به نظر شورای نگهبان و مجلس تاجران، که سران رژیم تشخیص

عرضه و تقاضا، قانون الهی کلان تاجران

ضرورت مداخله دولت در امور اقتصادی کشور را به عهده آنها گذاشته اند، به تنهایی اجرای اصل مریح و روشن قانون اساسی مصوب خود آقایان خلاف شرع است، نه تنها "مباشرت مستقیم دولت (حتی) در بخشی از امور بازرگانی را غیر ضروری می‌دانند، بلکه دولت را هم موظف می‌کنند که از زور و نیا زکلان سرمایه‌داران را دوستی تقدیم آنها کند. تکیه کلام آنها هم این است که "دولت تاجرویی نیست و "گرفتاری" های کشور هم، ناشی از نقش دولت در امور تجارت است. به سخنان بسیار رگویی آن خوار مشهور رژیم اسلامی، در شمعین اجلاس اتاق بازرگانی سراسر کشور، در آبان ۶۲ توجه کنید:

"من در این مجلس، با صدای بلند اعلام می‌کنم که صنفاً فروش حاضر است، به من پیشنهاد داده که با همه این‌ها رزی که فعلا دولت برای آن اختصاص داده است، با حضرات واردات آهن را درست بکند، نوبت‌های یک ساله را از بین ببرد، بازاریا و را از بین ببرد، قیمت آهن را هم از بین که هست بیشتر نکند. ۱۵٪ بیشتر از قیمت قبلی که دولت از تجارت آهن سود می‌برد دولت بدهد، بیایید این یک پیشنهاد عملی کنید، اگر نتیجه گرفتید بقیه راه همین طور عمل کنید می‌بینید، بیرواستاد هم، توصیه می‌کنند که دولت خود را "گرفتار" توزیع نکند و به کارهای مهمتری مثل نظارت "بیردازد. "نهی نهایی اصل دولتی کردن تجارت خارجی، تصویب لایحه‌ای برای "اجرای تجارت خارجی، برای تامین تمام و کمال خواسته‌های امثال پورا ستادها بود. با تصویب این لایحه، بازرگانی خارجی کشور که عملاً در کنترل کلان سرمایه‌داران بود، صورت قانونی یافت.

مدافعان ثروتمندان "خیرونیکوکار" نمی‌گویند که مداخلت دولت در توزیع، به صلاح چه کسانی نیست، اما انبوه اسناد و مدارک، زردی‌های امثال پورا ستادها را روشن کرده است و معلوم می‌دارد که در جهت تجارت بزرگ و انحصارات میرالیمی و دیگر چپ‌ها و لگران، از مداخله دولت زیان می‌بینند. در نتیجه اینگونه "مداخله دیشی‌های رهبران رژیم، سرمایه‌داران بزرگ، با تالانگی، کالاسی سابقه خود، فقر و تهیدستی زحمتکشان را با ابعاد گسترده‌ای داده‌اند. در مقابل، مبارزه مردم علیه تاجران رژیم آن‌ها هم شدت یافته است، یکتا توری خونین و اعدای گروهی و جمعی بی وقفه انقلابیون نتوانسته است راه‌ها و متشدد می‌بازرگانه‌ها را سد کند.

بنا بر این لازم آمده که علاوه بر اعمال دیکتاتوری بر عیان سلاح کینه و زنگ، زده تکفیر پیش از گذشته بکار گرفته شود. خزعلی یکی از فقیه‌ای مرتجع - شورای نگهبان در این زمینه تا کید می‌کنند که: "امام ۱۲ بهمن ۶۱، هفتقه به طریق سنتی را مورد تایید و تایید قرار داده‌اند... اخیراً صحبت با منی از فقه پیویدار مقابل فقه سنتی گفته می‌شود، منی دانیم این پیوای غیر معنی لغوی متوجهی هم دارد... خرمنه ایران هم مخالف ما باشد، ما حاضریم خرمنه ریخته شود ولی قدمی برخلاف اسلام عزیز بر نمی‌داریم. (خزعلی ۱۲ اردیبهشت) تکرار گفته های خزعلی، از سوی مدافعان "ثروتمندان خیونیکوکار" و در حمله به مسلمانان مبارزی که حاضرینند به ثروتمندان تسلیم شوند و از مبارزه با سرمایه‌داران بزرگ دست بکشند کاملاً ملاحظه شده است.

تجربه نشان داده است که رهبران جمهوری اسلامی که بازار را تکیه گاه اصلی و استوانه انقلاب اعلام کرده‌اند، امروز که با پشت کردن به مردم و آرمانهای مقدس آن‌ها هر روز فاصله گرفتن بیشتر کرده مردم از حکومت را می‌بینند، بازم بیشتر خواهند کوشید آزادی غارت با صلح تجارت آزاد "حلال" بدون دردسر برای کلان سرمایه‌داران را تا من کنند. همانگونه که در چند ساله اخیر شورای نگهبان مورد تایید آیت الله خمینی توانست جلوی دخالت مونسیر دولت را در این امور بگیرد، امروز باید دولت موظف خواهد شد که همه خدمات لازم را برای غارت و جباول آزاد سرمایه‌داران فراهم نماید.

مسلمان مبارز، یعنی همان نیروهای که آیت اله منتظری در سخنان اخیر خود آنها را مورد انتقاد قرار داده و به تفکر غیراسلامی و "چپ‌گرایی و کوفته نظری" متهم کرده است، قادر نیستند که حفظ هدیه‌های ترفیخواهانه و دلپستی به این رژیم را یک جا گرد آورند. آنها هر روز بیشتر در برابرین پرسش قرار می‌گیرند که با این راهی که جمهوری اسلامی می‌پیماید تکلیف آنها چیست؟ تجربه نشان می‌دهد که در برابر آنها دوره بیشتر وجود ندارد، بیایید بايستند و به فحایح و جناياتی که در کشور علیه

محرومان صورت می‌گیرد اعتراض کنند و علیه ارتجاع حاکم بزمند، و با همچون رهبران نشان در بیستگاه امیرالیم و کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان زانوبزنند. کسانی که راه مردم را می‌خواهند با بدیدرنگ و فاطمانه راه اندر علیه ارتجاع حاکم را در پیش گیرند.

برای پایان دادن به گرانی و بیکاری، علیه ارتجاع حاکم مبارزه کنیم!

فدائیان - اکثریت

"قانون" دیگری بسود بزرگ مالکی

در روستاها فراهم می‌شود، ما اعلام داشتیم که با تحقق شعار "زمین از آن کسانیست که روی آن کار می‌کنند"، وضع اسفبار دهقانان محروم و سیمای روستاها را کشور تغییر خواهد کرد. این شعار بسیار تکرار خواست دهقانان زحمتکشان سراسر کشور بود، که در پیروزی انقلاب بهمن نقش بزرگی داشتند. حکام جمهوری اسلامی که در سالهای اول انقلاب، تحت تاثیر جو انقلابی کشور، شعارهای گوناگون مطرح ساختند، بزرگ مالکان فراری را که دهقانان با اتحاد و مبارزه و با هدایت نیروهای انقلابی از روستاها بیرون انداخته بودند، تحت حمایت پاسداران و ژاندارم‌ها به روستاها بازگردانده شد. تا به دایر کردن بساط گذشته مشغول شوند. زمینهای مصادره شده توسط دهقانان و زمینهای که در سالهای اول انقلاب توسط هیاتهای هفت نفره واگذار شده بود، پس گرفته می‌شود.

دهقانان مجبورند، روی زمینهای بزرگ مالکان، فراری که توسط شوراها ی کشت، سالانه بطور موقت، به آنها واگذار می‌شود، کشت کنند و اجاره آنرا به حساب مالک فراری، واریز کنند. در واقع شوراها ی کشت، به مباشرت از طرف مالکان بزرگ فراری است. استعمار دهقانان را بعهده دارند. واحدهای مراع که در سالهای اول انقلاب توسط هیاتهای هفت نفره، بر روی زمینهای مصادره ای تشکیل شده بود، اکثرابه دلیل پس گرفتن زمینها از دهقانان، کمیود خدمات تولیدی، سازماندهی نادرست و غیر اقتصادی بودن تولید، غیره، منلاش می‌شدند. همچنین با تصویب قانون ارتجاعی، املاک موقوفه واگذار شده به دهقانان صاحب نسق در سال ۱۳۵۰ نیز، غیر قانونی اعلام شد، طبق این "قانون" اسناد مالکیت این دهقانان باطل و قرا بر این شد که "با حفظ مطحنت وقف، با "متصرفین و زارعان"

اجاره نامه تنظیم شود. دهقانان زحمتکشان که ناچار به کشت و زرع زمینهای مجبورند، با سه اجاره داران اوقاف تبدیل می‌شوند، با مثل قدیم مجبوری شوند برای بزرگ مالکان کارکنند. مضمون این اقدامات جمهوری اسلامی تعرض به دستاوردهای است که دهقانان در نتیجه مبارزه علیه رژیم شاه، در سالهای پیش از انقلاب کسب کرده بودند، یعنی حرکتی در جهت واگذاری زمین دهقانان به فئودالها. رژیم طی ۵ سال گذشته، با طرحها و نقشه های من درآوردی، سازماندهی بدوی، ایجاد رگانهای زنگارنگ در روستاها و اجرای نیمه کاره طرحهای گوناگون، از چنان هرج و مرج در تولید را عسی بوجود آورده، که حاصل آن جز ورشکستگی کسان بیژری کشور نمی‌توانست باشد. رژیم، قادر نبود سازمان تولید نوینی در روستاها میهن ما بوجود آورد، امکانات تولیدی روستاها ی کشور را تباہ ساخت و خیل روستاییان محروم را راهی شهرها کرد. رژیم از هرگونه تشکیل دهقانان "خلوگری کرد، شوراها ی مردمی دهقانان را منحل ساخت و شوراها یی فرمایشی از عوامل خود بوجود آورد. خلوی هر شکل ارتجاعی جمعی روستاییان را گرفت و حتی از فعالیت تشکیل‌های ورزشی و هنری جوانان روستا نیز جلوگیری بعمل آورد. اکنون تقابل رژیم با خواسته‌ها و مطالبات گوناگون روستاییان به اوج رسیده است، دستگیری، شکنجه و زندان دهقانان زحمتکشان مبارز که در مقابل بزرگ مالکان و عوامل حکومت دست می‌ایستند، روالی عادی است که همه روزه تکرار می‌شود. خائسین به انقلاب به تک اقدامات ضد مردمی خودجوشه "قانونی" می‌بخشند. سیاستهای ارتجاع، علیه دهقانان و در بخش کشاورزی مورد مخالفت و اعتراض دهقانان محروم قرار دارد. دهقانان علیه همه اقدامات رژیم، خواستههای برحق خود را، که پس از پیروزی انقلاب انتظار تحقق آنها را داشتند، دنبال می‌کنند و مبارزه خود را شدت می‌دهند.

حکومت، تصمیم گرفت زمینهای زراعی را در ابعاد بزرگ به سرمایه‌داران و شرکتیهای خصوصی واگذار کند. موسوی نخست وزیر در این باره گفت: "در این نامه اجرایی قانون مربوط به هیاتهای هفت نفره زمین، فقط به اندازه یک عرف محل می‌توانند واگذار شود. ما برای سرمایه‌گذاران بیشتر در امر کشاورزی، این را تغییر دادیم و هیاتهای هفت نفره بعد از این می‌توانند بر اساس توانایی‌های شخصیت‌های حقیقی و حقوقی... زمین‌های را در وسعت بیشتر به افرادی که می‌خواهند کارکنند، رویش، واگذار کنند."

هیاتهای هفت نفره که از اول برای اجرای قانون اصلاحات ارضی و واگذاری زمینهای بزرگ مالکان، به دهقانان بی زمین و کم زمین بوجد آمدند، در هر محل وظیفه داشتند که زمینهای بزرگ مالکان را که بیش از ۳ برابر عرف محصل بود، طبق ضوابط گرفته و به دهقانان واگذار کنند. برای جلوگیری از شکل گیری مجدد مالکیتهای بزرگ، آنها مجاز نبودند پیش از یک عرف محصل زمین به کسی بدهند. هیاتهای هفت نفره کوششهایی برای حل و فصل مسایل ارضی، در چارچوب اختیارات خود بعمل آوردند، ولی به دلیل خیانت حکام جمهوری اسلامی و انقلاب و نفی اصلاحات ارضی از بیخ و بن، روز بروز، دایره فعالیت آنها محدودتر شد و اکنون هم دولت موسوی، وظیفه جدی‌تری به این هیاتها محول کرده و وظیفه قبلی آنها، ما هیات دگرگون شده است.

رهبران جمهوری اسلامی، با جلوگیری از تصویب و اجرای قانون اصلاحات ارضی، که حل معضل اساسی دهقانان زحمتکش و کشاورزی کشور به نام کمی داشت، راه سپیودندگی جمعیت کثیری از زمینداران زحمتکشان را بستند. سازمان ما از زمان آنجا تا کنون تا کنون داشت که تنها با اجرای اصلاحات ارضی و کوتاه کردن دست بزرگ مالکان و واگذاری زمین به دهقانان زحمتکشان است که امکان تحول عمیق

پیشرو انقلابی و وظایف بنیادین کنونی

رهبری جمهوری اسلامی در راستای نزدیکی به غرب، به این می‌اندیشد که با جلب اعتماد و حمایت امپریالیست‌ها برضف و بخران درونی خود غلبه کند، اما آماج "راه حل" نیز که بیراهه دشمنی با آماج عمده انقلاب بهمن است، جزئیتهای سر ریشه رژیم نخواهد بود.

تشدید اعتراض و مبارزه مردم، در نهادهای حکومتی نیز با تازیب یافته است. علاوه بر تضادهای شدید درون هیات حاکمه، تشدید تضاد در نهادهای گوناگون حکومتی، از جمله در ارتش و سپاه و دیگر نهادهای مسلح، امری کتمان ناپذیر است. سربازان و پاسداران خود اغلب از همین مردم محرومند. آنها در جریان درگیری با مردم و سبک آزارهای خود و بسیاری از آنان بی می برند که بنا حق، علیه مردم و علیه منافع خودشان مورد ستفاده ارتجاع قرار می‌گیرند. در جریان سرکوب و گشتار انقلابیون و مبین پرستان، در جریان جنگ و آخیرا در جریان انتخابات، مجلس و رویداد افسریه، نمونه های بسیاری از گسترش تردید و بی اعتمادی و اعتراض در میان سپاهیان حکومتی دیده شد. در جریان "افسریه" عده ای از پاسداران آشکارا به انتقاد و اعتراض علیه اقدامات حکومت پرداختند و برخی از آنان تصمیم گرفتند استعفا دهند.

بحران در حکومت و در ارتش و سپاه، رهبری جمهوری اسلامی را "نگران" کرده است. سخنرانی میسوط خمینی در تاریخ هجدهم مرداد مورخه ۱۳۵۷ همین واقعیت است. وی می‌گوید: "با یاد احساس خطر بکنید. برای جمهوری اسلامی همه احساس خطر بکنید. ما بین راه هستیم و نتوانستیم تا حالا آنچه می‌خواهیم متحقق کنیم" "در ادامه همین مطالب می‌آید: "... اینکه یک اختلافی در مجلس پیدا می‌شود منگس می‌شود در همه ملت، و آنکه خیلی خطرناک است آن است که منگس می‌شود در سپاه و ارتش... هه برای سپاهی‌ها جایز نیست که در ارتش به دست بدهند، به شمشیر ربطی در کارگه در مجلس چه می‌گذرد..."

چنین شماقت‌هایی البته هیچگاه راه بجایی نبرده‌اند. نبرد طبقاتی در اعماق همه نهادهای حکومتی انعکاس می‌یابد و آنها را جزا در اجزای بحران می‌سازد. سر نیزه حکومت در شرایط گسترش اعتراض و مبارزه توده‌ها رنگ می‌زند و گندم‌دستری می‌شود. برای سر نیزه شرایط فوق‌گویای آن است که زمینه گسترش ضرورتاً افزایش تا شرف فعالیت پیشرو انقلابی در کشور فراهم می‌گردد.

فعالین انقلابی در هر گامی که خویشتن سر نیزه "ولایت فقیه" را بر سرین خویشتن می‌کنند، اما اعلامیه‌ای که در این شرایط پخش می‌شود و شناسایی که با اینهمه دشواری روی دیواری روی دیواری بس حکمگتری میان توده و پیشرو پدید می‌آورد. بر زمین مبارزه توده ها قطره قطره فعالیت پیشرو جذب می‌شود و به نیروی مترک مادی و معنوی بدل می‌گردد.

رشد و گسترش مبارزه توده‌ها موجودیت فعالین و سازمانهای انقلابی را نیز در برابر اعتراضات ارتجاع بطور فزاینده محفوظ می‌دارد. یکی دوسال پس از پیروزی انقلاب، زمانی که رهبری جمهوری اسلامی هنوز در برابر امپریالیسم و ارتجاع شاه پرست قرار داشت، بدون نیاز به نهادهای مسلح مخالفین مرتجع خود را به سادگی از رهنه‌نگاری بیسزرون می‌کنید. اما امروز که رژیم جمهوری اسلامی بسه دشمن همه نیروهای انقلابی و مبین پرست و توده‌های میلیونی بدل شده وضع یکلی دگرگون شده است. اکنون حکومت در برابر نیروهای انقلابی تنها به نهادهای سرکوب خود متکی است. در مقابل آغوش توده‌ها به روی نیروهای انقلابی کشوده می‌شود.

پیشرو انقلابی و مبارزه جاری توده‌ها روندشتا بگرا اعتراض و مبارزه توده‌ها مضامین مشخصی را بر جسته می‌کنند و عمده می‌سازد. رفته ای از مسایل بطور طبیعی مبنای مبارزه مشترک اقشار گوناگون است. گزافی، بیکاری، مشکل مسکن، جنگ، تفتیش عقاید، اختناق و سرکوب، نبود امنیت فغلی و اجتماعی و رشوه خواری و فساد در نهادهای حکومتی از این زمره‌اند. همچنین مبارزه طبقه کارگر و توده‌ها بر مطالبات مشخص آنها تا کید دارد. برای کارگران مساله دستمزد ساعت کار، مشکل های کارگری و مقررات استخدام و اخراج، برای کارمندان مساله حقوق و نبودن تا مین فغلی و فشارهای ارتجاعی در ادارات، برای دهقانان کماکان مساله زمین و آب و کمکهای یولی و جسی، برای دانشجویان و دانش آموزان محدودیت امکان تحصیل و تبعیض و فشار و تجسس از محیط های

جنبش انقلابی کشور ما امروز، در شرایط بغرنجی ره می‌سپارد که ناشی از ترکیب پیچیده عوامل گوناگون مثبت و منفی است. از یک سو سیاست رهبری جمهوری اسلامی به مردم و چیرگی شرایط ترور و خفقان انقلابیست برجا مده، و از سوی دیگر آگاهی و تجربه انقلابی توده‌ها، فاش شدن سیاسی ارتجاعی رژیم و روندشتا بگرا اعتراض و مبارزه مردم عناصر عمده شرایط کنونی هستند. برآیند این شرایط از نظر ذهنی در امجدینش انقلابی و تک تک گردانهای آن به شکست ارتجاع و پیشروی درست آماجهای انقلاب بازتاب می‌یابد.

بی‌گمان چنین امید ریشه داری نمی‌تواند بدون محاسبه تهدیدها و توطئه های ارتجاعی و دشواریهای فرار ای بیکار انقلابی، و به صورت یک خوش بینی ساده نگرانه باشد. شالوده آمیز و اطمینان ما به پیروزی جنبش، همانا روند رو به گسترش مبارزه توده‌هاست. در این راستا انجام وظیفه بیکار و درست پیشرو انقلابی، نقش سر نشوشت سازی دارد.

توده‌ها، زیر سهره کشی و ستم و سرکوب ارتجاع، اعتماد خود را به جمهوری اسلامی زدست می‌دهند و به مبارزه در اشکال گوناگون آن روی می‌آورند. در این روند، پیشرو انقلابی باید با حفظ سترگهای مبارزه در کشور، بی‌بند و مینق همه جانبه بسا مبارزات مردم، کوشش برای ارتقا و گسترش این مبارزات، آگاه کردن توده‌های معترض و مبارزه به سمت درست و آماجهای واقعی جنبش، مبارزه برای یکپارچه کردن صفوف نیروهای انقلابی، و سر انجام برافراشتن پرچم انقلاب فراروی توده‌ها، نقشی خویشتن را در تا مین و تضمین پیروزی جنبش ایفا کند. ناتوانی و کوتاهی در انجام این وظایف، فرصتی بسیار خطرناکی در اختیار ارتجاع حاکم و اپوزیسیون ارتجاعی قرار می‌دهد.

حضور موثر و فعال پیشرو انقلابی، در همه عرصه‌های اعتراض و مبارزه توده‌ها در کشور، حلقه اطمینی تعیین کننده در راستای وظایفی است که جنبش بر عهده پیشرو انقلابی می‌گذارد. تشدید شرایط ترور و اختناق درجا مده، ضرورت کوشش برای حفظ سترگیات و کادریات آژموده انقلابی در برابر توطئه‌ها و ضربات ارتجاع و لزوم کار بست توده‌های سازمانی مناسب در شرایط دشوار کنونی، هیچیک از بنیادینمی‌توانند از ضرورت، اهمیت و فوریت انجام وظیفه فوق بکاهد. بعکس، در اوضاع نامساعد تدا بر سازمانی و سیاسی قبل از هر چیز، باید حفظ حضور موثر فعالین انقلابی در محیط های کار روزندگی مردم و در همه عرصه های مبارزه توده‌ها مبنیسا قرار گیرد. بر سر واقعیت مبارزه مردم و نقشی پیشروان انقلابی، اهمیت بنیادی و سر نشوشت ساز این وظیفه را مسلج می‌سازد.

تشدید بی اعتمادی و گسترش مبارزه توده‌ها بر سر رویدادهای گوناگون در محیط های کار روزندگی مردم، هزاران گزارش و خبر از درون کارخانه ها، ادارات، روستاها، مسسدا و... نا نگاهها، مکانهای تجمع و تردد مردم و محیط های خانوادگی و خصوصی همه و همه از بی اعتمادی توده‌ها و فزاینده توده‌ها به حاکمیت جمهوری اسلامی و نفرت و خشم شنا بیکار آنان از کارنامه و کسردار حکومت گواهی می‌دهند.

بی اعتمادی مردم نسبت به حکومت از زمانی آغاز شد که تضاد گفتمان روگردان رهبران جمهوری اسلامی به واقعیتی کتمان ناپذیر تبدیل گردید. آن زمان هنوز، آیت الله خمینی و عده‌های جمهوری خویش را تکرار می‌کرد می گوشت تا بدین گونه سرمد را در انتظار روا میدنگهدارد. اکنون، مدت ها از آن دوران می‌گذرد و رژیم نه تنها آن وعده‌ها را کارنگذارده، بلکه می‌پرد. اما جهای خود را برای دفاع از بهره کتان و ستمگران اعلام کرده است. امروز، مردم خود را در برابر فرمانروایانی می‌بینند که همه دستاورد های انقلاب خونین آنها را نابود می‌کنند. کسانی که سفره آنها را تپ، و کیسه سرمایه داران و زمینداران و غارتگران خارجی را بر می‌کنند. این فجایع در اعماق زندگی مردم، شله های بیدادسوز بی اعتمادی و اعتراض و مبارزه را می‌فرورزد. حکومت آیت الله خمینی در برابر اعتراض و مبارزه شنا بیکار توده‌ها، بر تشدید قهرمندی است. دوا رتس، دودستگاه پلیس، دودکروه ژاندارم، چند سیستم پلیس مخفی و دهها "گمت" و صدها زندان و هزاران دادگاه صحرایی زیر نام "دادگاه شرع تکیه گاه" آنرا تشکیل می‌دهد، تکیه حکومت بر این نهادهای گوناگون سرکوب، نشانه ضعف آن است. جمهوری اسلامی هیچگاه به اندازه امروز به نهادهای گوناگون و گسترده سرکوب مجهز و متکی نبوده است، اما هیچگاه هم مردم این گونه به مبارزه علیه آن برخاسته بودند. توان دستگاه های سرکوب رژیم، در برابر ضعف یا بیکاره آن بس ناچیز است. اکنون

آموزشی، برای میلیون‌ها زن تحمیلات و فشارهای ارتجاعی جهت بیرون راندن آنان از محیط های کار و فعالیت اجتماعی و ملیس کردن آنها به یونسش قرون وسطی ای و تحربه این مسایل اند. سطح آگاهی و توجه مردم زمینه رفراهم می‌سازد تا آنها در رویا رویی با این مسایل به سرعت نتیجه گیری سیاسی کنند. رویدادهای بسیاری گواه آنند که مردم در رابطه با مسایل بسیار فرعی هم به نتیجه گیری سیاسی می‌رسند و ریشه آنها را در سیاستهای جمهوری اسلامی می‌جویند.

در این روند هر روز نیاز توده‌ها به پیشاهنگ انقلابی، به آن سازمان سیاسی توانمندی که بتواند سترگ و ستم اصلی تندر در راه آنها نشسان دهد و در فراتر از فرودهای مبارزه با رهنمودهای به موقع و ضروری راه را به آنها به نمایانند بیشتر می‌شود.

درست در چنین شرایطی است که فدایان خلق، برای تا مین رهبری طبایع کارگر، برای برافراشتن پرچم کمونیست در این مبارزه توده ای با یسند بیشترین کوشش خود را بکنند. سازمان ما امکانات مادی و معنوی لازم را برای پاسخگویی موثر به نیاز توده‌ها در راست، فدایان خلق باید این امکانات را درست و به موقع بکار گیرند.

فعالین انقلابی ما باید بکوشند تا از طریق تبلیغ سیاسی بر نمود در سطح جامعه، از راه بخش شریات، اعلامیه، شناسا و تزارگشای گوناگونی که آشنوه مسایل خاص و عام توده های معترض را منعکس می‌سازند، از طریق نوشتن شعار روی دیوارها، درکا رخانه ها و ادارات و روستاها و مدارس، از طریق تبلیغ شفاهی در محیط های کار روزندگی و محیط های خصوصی و خانوادگی، خواستهای مشخص توده‌ها و سرتاه سازمان خود را بطور موثر منعکس سازند و گواهی کنند که توده های معترض در هر گام حضور مشخص فدایان خلق و رهنمودهای ملموس و موثر در آردکنسار و پیشا پیش خود را بیاند. بسیاری از انقلابی طبقه کارگر، سر نیزه های گسترش یافته مبارزه طبقه کارگر و سازماندهی کارگران، وظیفه مقدم است. فدایان خلق، با تمام نیرو و امکان با یسند در محیط کار روزندگی و درون شکل های موجود کارگری، از جمله شکل های فرمائی، به تبلیغ و ترویج بپردازند. بر نامه و سیاست سازمان را توضیح دهند و کارگران را برای ایجاد شکل های صغنی سیاسی خودشان هدا یث کنند. پیشرو انقلابی باید، با تمام توان بکوشد که اعتراض و مبارزه مردم، جنبه هرجه نیرومندتریسی ای بگردد. به خود گردویا یان دادن به حکومت ارتجاعی، اما آماج خود تزار دهد. با ید توده‌ها را آگاه ساخت که بدون درهم گسستن ارتجاع حاکم خواستهای آنان تحقق نخواهد یافت. پیشرو انقلابی نباید به تبلیغ کلی شعارهای استراتژیک جنبش، یعنی استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی، اکتفا ورزد، باید در هر عرصه شخصی و در هر گام از مبارزه توده‌ها، رسا و کمک خواستها و نیازهای مشخص آنان این شعارها را توضیح داد.

یکی از مسایل بسیار مهم در تبلیغ و ترویج انقلابی لزوم توجه به تاثیر فعالیت اپوزیسیون ارتجاعی است. امروز اگرچه امپریالیسم آمریکا بیشترین امید خود را به تحولات درونی "پرچم مثبت" در جمهوری اسلامی بسته است، اما دارودسته های شاه پرست بیکار رنشته اند. مثلث ارتجاع شاه پرست، یعنی رضا، امینی، اختیار، در جای چوب نقشه های آمریکا و برای "لحظه های ضرور" همچنان تقویت می‌شود. این لاشه های متعفن اکنون چندین ایستگاه را دیوسی علاوه بر بقعهای رسمی امپریالیسم در اختیار دارند. آنها استعداد سلطنتی را قیای کهنه "شریطت" می‌پوشانند و می‌کوشند تا با انگشت گذاردن روی تپیکارهای رژیم جمهوری اسلامی خود را "مدافع" و "دلسوز مردم" وانمود سازند.

اپوزیسیون شاه پرست، با هزاران وسیله می‌کوشند مردم و فعالیت زندگی خود در جمهوری اسلامی را، با دوران شاه متفق و مقایسه کنند و به سود گذشته ظر دهند. اپوزیسیون ارتجاعی این روش سیاسی کردن توده‌ها را اساس فرار داده امیدوار است که با این تیرنگ افکار ارتجاعی را میان توده‌ها شاعه دهد. تک نیست که نا آگاهانی ممکن است به این دام گرفتار شوند و سرتاه چنانچه پیشرو انقلابی فعالانه پیشا بیشتر اعتراض و مبارزه مردم قرار نگیرد، این خطه افزایش می‌یابد.

فعالین ما باید در مبارزه علیه این تپیکار از و افشا کردن این افشاکنان بر چمدار با یسند نبرد و هوشیارانه و بیکارانه علیه اپوزیسیون ارتجاعی، بخش بسیار مهمی از مبارزه در راه آگاه سازی و بسج انقلابی توده‌هاست. نغیه در صفحه

زندانیان سیاسی را آزاد کنید!

جندی پیش ناطق ثوری، وزیرکشور، اعتراف کرد که: «ساله اعتبار در ایران به یک ساله سیاسی مبدل شده است که اساس جمهوری اسلامی را تهدید می کند. این سخن که حاکی از وحشت رژیم از اعتراض مردم است بیانگر عمق فاجعه ای است که هم میهنان ما گرفتار آنند.»

تاکنون، هیچگاه، اعتبار دو قاچاق مواد مخدر در ایران، چنین ابعادی نداشته است. بانددهها و شبکه های بین المللی قاچاق، که اوضاع کشور را برای سوادگیری مرگ مناسب دیده اند، زیر سایه ارتجاع حاکم و با اهدستی مقامات ریزدودشت جمهوری اسلامی و با شادرون ارگانهای مختلف، به مکیدن شیر جان جوانان میهن ما مشغولند.

قاچاقچیان بین المللی، عمدتاً از طریق مسیر پاکستان و از کانال باندها، وارد سته های ضدانقلابی افغانستان، به توزیع مواد مخدر در ایران اشتغال دارند. رئیس شهربانی رژیم، اخیراً از طریق مصاحبه ای گفت: «رقمی که در سال گذشته سیویلسه معنادین بابت خرید مواد مخدر به قاچاقچیان رسان برداشته شد، بالغ بر یک مدونه میلیاردر تومان است.» یعنی اینکه قاچاقچیان مواد مخدر در سال گذشته، معادل نصف درآمد نفت کشور، نفروش داشته اند. این اعتراف تکان دهنده، ضمن آنکه گویای توزیع بی حد و حساب مواد مخدر در میهن ما است، حاکی از این نیز هست که علاوه بر تجار بزرگ ارتكاجی و آهن خوار و شیفته خوار و غریبه، که در پرتو ارتجاع حاکم به کشت و کار «خلال» مشغولند، تجار بین المللی

پاسخ توده ها به... بقیه از صفحه اول
ضد مردمی این کابینه که لانه مدافعین سرخشاں کلان تاجران و بزرگ مالکان و سایر زغار رنگران است، نرای توده های میلیونی مردم شناخته شده است. موسوی، در گزارش خود به مجلس، هنگام بحث پیرامون رای اعتماد به دولتش گفت: «در شرایط حساس اگر بخواد دولت، قوی با مسائل برخورد کند، گزارش همسوا با گزارش مجلس باید داشته باشد.» تلاشی های موسوی برای انطباق کابینه اش با «کریزهای» ارتجاعی مجلس شورای نگهبان، ارتجاع بسیار عیان است. حرفها و وعده های او به مردم و لفاظی های گاه و بیگاه «روشنگرانه» وی، در خدمت آرایش سیاست ارتجاعی جمهوری اسلامی و معطله و زدوبند دستجات رقیب درون هیات حاکمه قرار داشته است.

کابینه موسوی، که از گذشته تا امروز، منعکس کننده سته بندبندی درون هیات حاکمه بوده، میهن سازش این دستجات، در جا رجوب تا مین منافع مشترک ارتجاعی شان بوده است.

به دنبال انتخابات دوره دوم مجلس شورای اسلامی و روی کار آمدن مجلس موردا اعتماد شورای نگهبان ارتجاع، کابینه موسوی نیز می بایستت بار دیگر، انطباق خود را با «گرایش مجلس و همچنین عبودیتش را نسبت به شورای نگهبان» به تأیید می رساند. جناحهای هیات حاکمه می بایستت بار دیگر نظر خود را نسبت به ترکیب، کارنامه و کارایی این کابینه ابراز می کردند و بر سر آن به «وحدت کلمه» می رسیدند. از این روموسوی خود «موبانه» پیشقدم شد. کارنامه سیاه کابینه را نیز بر بفسل گذاشت و راهی مجلس شد. او در جلسه ای با حضور شورای نگهبان ارتجاع، توانست بار دیگر برای اجرای اوامر، جلب اعتماد کند. البته

آیت الله خمینی نیز شخصاً سفارش موسوی و کابینه وی را به شورای نگهبان و مجلس کرده و «اهمیت» سازش و «وحدت کلمه» حکام را در شرایطی که جمهوری اسلامی با بحرانهای گوناگون روبروست، متذکر گردید. خمینی جندی پیشاپه را داشت زمین خوردن دولت، امروز، برای روحانیت هم مضر است، برای مجلس هم مضر است. در جریان رای اعتماد به کابینه موسوی پنج تن از زورجای پرورش وزیر آموزش و پرورش، سلیمی وزیر دفاع، نجفی وزیر فرهنگ و آموزش عالی، منافی وزیر بهداشت، یوسفی وزیر صنایع، رای لازم را نیاوردند و از کابینه موسوی کنار گذاشته شدند. در تاریخ بیست و هفتم مرداد، موسوی، دکتر علی رضامندی، مهندس غلامرضا شافعی و دکتر ایرج فاضل را به ترتیب برای تصدی وزارتخانه های بهداشتی، صنایع و فرهنگ و آموزش عالی به مجلس معرفی کرد. همچنین از سوی موسوی، محمد محمدی ری شهری، حسن حبیبی و سراج الدین کارزونی برای اشغال پستهای وزارت اطلاعات دادگستری و مسکن و شهرسازی به مجلس معرفی شدند. در تاریخ ۲۴ مرداد، مجلس به بررسی «ملاحظت سه وزیر اخیراً خیر برداشت و به وزیرای پیشنهادی موسوی، که تقلب بر سر آنها بحث ها و توافق های لازم، بیسن دستجات هیات حاکمه صورت گرفته بود، رای اعتماد داد. حامی رنسنجایی، سخنگوی حکومت، در جلسه ۲۴ مرداد مجلس، فریادگانه از «ترکیب آرا و تعداد آرای وزیران معذای این است که در مجلس شورای اسلامی آزاداندیشی غلبه دارد و تعصب گروهی و اینها، از نظر اکثریت مجلس شورای اسلامی چندان مؤثر نیست.» «بعکس گفته ایشان چند و چون رای اعتماد مجلس به موسوی و وزیرای کابینه وی، نشان می دهد که آنچه وجود دارد، همانا کساکش و زدوبند دستجات

کلان تاجران مواد مخدر در پناه رژیم

ترباک و هرویین و مرفین نیز از سیاستهای ارتجاعی رژیم و خرچ و مرج کشونی بی نصیب نمانده اند.

رئیس شهربانی جمهوری اسلامی در رابطه با توزیع مواد مخدر در این چندساله، گفته است: «۴۴ هزار نفر دستگیر شده اند که ۳۳ تنها افغانی بوده اند. یعنی حدود ۱۵ هزار نفر از دهها هزار افغانی که در شبکه های قاچاق مواد مخدر در میهن ما فعالیت می کنند، دستگیر گردیده اند. این شبکه های عظیم قاچاق را، سران دارو دسته های سیاست خاخر رنگارنگ افغانی که در پرتو رژیم جمهوری اسلامی، با مجوز «قانونی» به فعالیت علیه مردم ما و افغانستان انقلابی مشغولند، هدایت می کنند.

طی پنج سال گذشته، بطور سرسام آوری بر اعناده قاچاق مواد مخدر و اعتیاد، جنایت، زدی، فحشا و هرزگی افزوده شده است. حکومت جمهوری اسلامی که سیاستهای تبکوارانه آن، فساد اجتماعی را در همه ابعاد گسترش می دهد و مردم را با اعتراض مردم مواجه کرده است، جز اقدامات موضعی و تبلیغاتی هیچ نکرده است، در حالیکه ما ملین اصلی قاچاق مواد مخدر که برخی از سرشان آنها در ارگانهای رژیم لانه دارند، در امان هستند، برخی با دواها، مطبوعات دشمنه و با هیاهو تبلیغاتی اقدام می کنند. این نمایان برای مردم ما تکراری و مشغول کننده است. مردم خوب بیا داری که رژیم شاه خاکن نیز، در حالیکه خانواده

درون هیات حاکمه، بر پایه منافع ارتجاعی سیاسی آنهاست، رفتن چند وزیر و تعدد ادب دیگر، تنها حاصل کاشکها و توافقهای پشت پرده، محافل مختلف هیات حاکمه است. رهبران جمهوری اسلامی که با اعتراضات شتابان توده ها مواجه شده، می کوشند از تجربه رسوا کننده انتخابات استفاده کنند و از در زدن بحران درون حکومت، کساکش میان دستجات هیات حاکمه و ساختن و ساختن های خود به بیرون جلوگیری کنند. خمینی آنها را رهنمود می دهد که: «خودمان متوجه باشیم که کارهایی انجام دهیم و طریق هایی را انتخاب کنیم که بطور سلامت با هم برخورد کنیم. اگر هم اشکال داریم مثل طلبه های مدرسه با هم رفتار کنیم.» اما مردم، نتیجه «وحدت کلمه» هیات حاکمه را به خوبی درک می کنند. در مورد کابینه آقای موسوی نیز، رای اعتماد شورای نگهبان و مجلس شورا، جز به اعتباری بی اثر و بی نتیجه ای بیا رنخواهد ورد.

مردم علیه دولت ارتجاع بقیه از صفحه اول
دست نشاندن پهلوی، در سالهای آخو حیات خود، برای اجرای کامل وظیفه سرپرستی، به پند و اندوه کشور ما بسنده نکرده است. دستورالعمل میرالیم ارتجاع و با اهدستی دیگر مرتجعین مطبوعه، به جماعت سرکوب جنبشهای رهایی بخش ملی و نه زاندار امپریالیسم آمریکا در منطقه مبدل گردید. در تمام دوران حاکمیت ننگین رژیم سلطنتی پهلوی، مردم میهن ما لحظه ای زمین را زده نداشتند. برده ساختن و به اشکال مختلف نبرد علیه آن را ادامه دادند. عالیشان ترین و تعیین کننده ترین حرکت مردم ایران علیه رژیم سلطنتی پهلوی، در انقلاب ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به ثمر رسید.

مردم زخم کشی میهن ما، با قطعیت کم نظیری به رژیم سلطنتی، نه گفتند و برای تحقق شعار استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی و جاری کردن اراده خویش به جمهوری رای دادند. از همان آغاز استقرار جمهوری اسلامی تاکنون که پنج سال و نیم از آن می گذرد، علیرغم همه توطئه ها و تلاشهای ارتجاع، زحمتکشان میهن ما نه تنها دست از راههای انقلابی خود برنداشتند، بلکه با تمام وجود و امکانات برای تحقق آنها کوشیدند. مردم با همه توان خود کوشیدند تا همه نظام آریا مهربنا بودند و میهن به استقلال سیاسی و اقتصاد کامل دست یابد. آزادیهای دموکراتیک و مردمی برقرار شود و دست غارتگران و چپا و لگران سرمایه دار روز میهن دار و فئودال زالوصفت کوتاه گردد.

حکومت جمهوری اسلامی، علیرغم وعده های بی کعبه مردم داد، در عمل همان نظام منط اقتصاد بی جا مانده از رژیم شاه را حفظ کرد و دست کلان تاجران را جهت غارت بی امان مردم بازمسود. در چنین شرایطی، مردم وضعیت زندگی خود را با آنچه که برای آن انقلاب کرده بودند، بسا خواستهای عمیقاً عدالت یزوها نشان مقایسه می کنند و به این نتیجه می رسند که حکومت جمهوری اسلامی جز وعده دروغ چیزی به آنها نداده است. مردم با تمام وجود خود را تسلیم می کنند که چگونه پیروزیها و دستاوردهای انقلابی شان توسط این حکومت کسند مال شده و همان نظام غارتگرانه آریا مهربی، نظامی که کودتای ۲۸ مرداد برای برپایی و تحکیم آن انجام شد، حفظ و احیا می گردد. مردم آگاهان ترو هشیارانه تر از پیش، برای نجات خسود و میهن شان از این وضعیت نکبت باری که سراسر میهن را فرا گرفته است، مبارزه می کنند. امپریالیستها، ضمن اینکه توطئه های گوناگونی را در آستین دارند، در شرایط کنونی بیشترین امید خود را به حکومت جمهوری اسلامی بسته اند و در بستن

سلطنتی خود از عاملین اصلی قاچاق مواد مخدر بود کبکها و واسطه ها و دلالتهای خرده پای مواد مخدر را برای آرا ساختن افکار عمومی اعدام می کرد.

روزمه های خارجی سال پیش نوشتند که ماد ق طباطبایی سفیر ویژه آیت الله خمینی روز ۱۸ تویسه ۱۹۸۲ با چدانی که در آن یک کیلو هفتصد گرم تریاک جاسازی شده بود، در فرودگاه دوسلدورف آلمان دستگیر شد. این مشت، نمونه خورا راست امروز جمهوری اسلامی بزرگترین تاجران مواد مخدر را بنام «مجاهد افغانی» مورد حمایت قرار داده و برای فسادکاری آنها، دهها دقترو ادا ره اختصاص داده است. حکومت جمهوری اسلامی که در ارگانهای گوناگون آن، احتکار چنان، رشوه خواران،

قاچاقچیان و ساواکپهالان کرده اند، قادر به حل انبوه معضلات اجتماعی مردم ما از جمله معضل قاچاق مواد مخدر و اعتیاد نیست. برای ریشه کن کردن فساد اجتماعی باید ریشه ارتجاع برکنند و شود.

برای ریشه کن کردن فساد، باید ریشه های اجتماعی آنرا خشکاند. تنها با زمین برداشتن فقر، ایجاد کار و درآمد کافی برای همه مردم، فراهم ساختن زمینه برای شکوفایی استعداد های جوانان در همه عرصه ها، غنا بخشیدن و ارتقا آگاهی و فرهیختگی و حفاظت مسئولانه، از سلامت جسمی و روانی مردم است که هرزگی، فحشا، اعتیاد و... زمینه را برای رشد نمی یابند.

راه موفقیت های زیادی به دست آورده. سیاستی که اکنون حکام جمهوری اسلامی در پیش گرفته اند، پیش از هر وقت دیگری در طول عمر این جمهوری موجب رضایت میریالیستهاست. امروز تا تکنیک عمده آنان تقویت و ترغیب ارتجاع حاکم، برای تسبیع بیودن راه نردکی، به غریب است. علیرغم این، میریالیستها که همواره امکانات مختلف را علیه مردم بکار می گیرند، سلطنت طلبها را در پناه گرفته و آنها را بعنوان یک «امکان» و یک «برگ» و عامل تضمین کننده منافع خود تقویت می کنند. مطب ارتجاعی را، امینی، بختیار که به دستور آمریکا چماقتان را کناهم گذاشتند و برای کشور ما و شان می کنند، موبدهمین امر است.

بدون شک چگونگی حمایت میریالیسم از اردو سته های سلطنت طلب، به برخورد جمهوری اسلامی با میریالیسم مشروط می شود. این حکام جمهوری اسلامی در پیش گرفته اند، میریالیستها را امیدوار می کنند که این دور در آید به سرسازای ترین مسائل شده اند. کساکش سلطنت طلب تلاش می کنند که تبکوارهای حکومت را در خدمت تبلیغات خود در آورند. آنها فکر می کنند که تا بدینوا تند بر موج تبکوارهای حکومت سوار شوند و با رد دیگر رژیم آریا مهربی را به مردم مسا تحمیل کنند. این خیالات بچ راه بجای نخواستن برود. مردم میهن ما جنایات سلطنتی را، با خیالات سلطنت طلبان و جنایات سلطنتی را، با خیالات اینان مقایسه می کنند. میریالیسم رژیم سلطنتی، تنها همان نفرت تبکوارانی است که قلب مردم را نشاندند. سلطنت طلبان تنها تنگناها هستند که فقط ردی از بوی گند و فساد دارند و آن به جا مانده. مردم ما با انقلاب بهمن به کودتای ننگین ۲۸ مرداد رژیم سلطنتی برای همیشه پاسخ دادند.

پیشرو انقلابی... بقیه از صفحه ۴
به فداییان خلق
رفقا!

وظیفه شما بسیار سنگین و خطیر است. آنجسه توضیح دادیم، جهات عمده و گسترده فعالیت فداییان را در میان طبقه کارگر و توده ها روشن می سازد. امروز سنگین ترین فعالیت ما، در کار، خانه روستا و ادار و دیگر محیطهای کار روزندگی مردم است. در آستانه هر حرکت توده ای، در جریان و در خاتمه هر حرکت توده ای باید تراکت و شعرا و رهنمود فداییان خلق انتقاریا بد، نیروهای حرکت کننده را هدایت کند و سایر نیروها را به سوی حرکت آنان جلب نماید. هر کجا که توده ها اعتراض می کنند و به مبارزه بر می خیزند، باید فداییان را همراه و پیشاپیش خود بیاورد. هر کجا که کارگران، کارمندان، دانشجویان و دانش آموزان، هفتان، زنان، طبقه و هنرپرو، دیگری از طبقه کارگر، فداییان خلق باید بتوانند به رنگ سازمانگرا حرکت باشند. فداییان خلق باید بتوانند دیگری از طبقه کارگر، فداییان خلق را با خود همراه کنند. هر کجا که سازمانگرا حرکت باشند، در آستانه هر حرکت توده ای، در جریان و در خاتمه هر حرکت توده ای، باید فداییان خلق را با خود همراه کند و به مبارزه بر می خیزند، باید فداییان را همراه و پیشاپیش خود بیاورد. هر کجا که کارگران، کارمندان، دانشجویان و دانش آموزان، هفتان، زنان، طبقه و هنرپرو، دیگری از طبقه کارگر، فداییان خلق باید بتوانند به رنگ سازمانگرا حرکت باشند، در آستانه هر حرکت توده ای، در جریان و در خاتمه هر حرکت توده ای، باید فداییان خلق را با خود همراه کند و به مبارزه بر می خیزند، باید فداییان را همراه و پیشاپیش خود بیاورد. هر کجا که کارگران، کارمندان، دانشجویان و دانش آموزان، هفتان، زنان، طبقه و هنرپرو، دیگری از طبقه کارگر، فداییان خلق باید بتوانند به رنگ سازمانگرا حرکت باشند، در آستانه هر حرکت توده ای، در جریان و در خاتمه هر حرکت توده ای، باید فداییان خلق را با خود همراه کند و به مبارزه بر می خیزند، باید فداییان را همراه و پیشاپیش خود بیاورد.

در راستای انجام این وظایف، تبلیغ سیاسی نقش بی بدلی دارد. تکثیر و پخش نشریات و تراکتها، شعار نویسی زوی دیوارها، تبلیغ شفاهی در محیط های کار روزندگی مردم، و از این راه، بردن سیاست، برنامه و نام سازمان به میان توده ها و طبقه هر روز و همیشه شاست.

از رویدادهای

مرداد

تعرضات ابوشانه علیه زنان

در این ماه نیز، اقدامات سرکوبگرانه وتوهین وتعرضات حکومت، علیه زنان، در سراسر کشور ما فجاج تازه ای آفرید. مقامات طراز اول جمهوری اسلامی که با سخنرانیها و دستورالعملهای خود، دستجات رسمی وغیر رسمی ابوشان با جسم را هدایت می کنند، چندی پیش "سینا رفته حجاب" تشکیل دادند و در طی ماه نیز، تظاهرات سراسری با شعار "حجاب هر مسلمانی سنگرانقلاب است، بی حجاب دشمن انقلاب است"، راه انداختند. در جریان این تحریکات رژیم، دستجات ابوشان به چنان جنایاتی دست زدند که هر انسان با فرهنگگی از شنیدن آن دچار شرم می شود، در شیراز، در مواردی روسرهای سی که روی آنها شعارهای مستهجن نوشته شده بود، بر سر زنان کزده و در تهران و چندین شهر دیگر با اسید و چاقو تیرنگ و شلاق به جان زنان افتادند. این اقدامات با آنچرا و اعتراض شدید مردم مواجهه شد و زنان در تهران و چند شهر دیگر به اعتراض آشکار و گاه جمعی اقدام کردند.

دستجات ابوشان با به قول آقای خامنه ای رییس جمهور "برادران و خواهران حزب الله" که از مراکز معین حکومتی از قبیل حزب جمهوری اسلامی، سپاه، کمیته ها وغیره سازماندهی می شوند، اینجا و آنجا به راه افتاده با شعار "مرگ بر بی حجاب برای برقرار کردن فرهنگ اسلامی" و "ارزشهای الهی" سبانه بر سر زنان و دختران می ریزند و چنان ددمنشی و بی فرهنگی به نمایش می گذارند که بر برها از انجام آن شرم داشتند. گشتهای مخصوص کمیته انقلاب اسلامی متشکل از گشتهای خواهران "و گشت برادران" که با سرفه های هنگفت به حساب مردم و بنام اجرای "قوانین اسلامی" تشکیل شده اند، مجهز به تفنگ و مسلسل و بی سیم، رسماً به جان و ناموس مردم می پوشانند و می برند. به بهانه عدم پوشش اسلامی، هر کس را که لازم بداند دستگیری می کنند تا آن را به کمک شلاق و شکنجه "ارشاد اسلامی" کنند.

این گفته موسوی بجنوردی عضو شورایی قضایی نیز قابل تأمل است. وی ضمن تشریح وظایف "گشت انقلاب اسلامی" علیه زنان تهدید می کند: "در اسلام مواردی داریم... که اگر مرتبه نسوم این جرم (عدم رعایت حجاب حکومتی) را مرتکب شود، حکم او اعدام است".

مردم با یکت و نفرت فزاینده ای به این اقدامات و گفته ها و تحریکات مسئولین جمهوری اسلامی می گردند. مردم این اقدامات را که با هدف بیاده کردن احکام تاریک اندیشه ارتجاع حاکم صورتی گیرد، نه تنها تجاوز و هتک حرمت نسبت به حقوق و شخصیت زنان ایرانی می دانند، بلکه آنرا خالت خشن و وقیحانه در زندگی خصوصی و اجتماعی خود و تحمیل هر چه شدیدتر حکومت زور و ارعاب می نمایند.

مردان این سالها شاهد بودیم که روحانیت حاکم برای حفظ و بقای حاکمیت اسلامی و تا میسر منافع خویش با تمام قوا کوشیده است تا احکام منجمد را از دل تاریک خانه قرون وسطی زنده کند و در جامعه ما رواج دهد. مخصوصاً در ضمنی بسا شخصیت و مقام اجتماعی و سیاسی زنان که نقشی سرگشا در انقلاب بنیمن و همه جنبشهای استقلال طلبانه و آزادیخواهانه مردم ما انکار ناپذیر است. رهبران جمهوری اسلامی با تمام مقدورات خود به ضد انسانی ترین روشها متوسل شده اند. از اجرای حکم سنگارونفی حقوق زنان و انا علیه رسمی فساد، تحت عنوان "صیغه گرفته تا اخراج از کار، دانشگاه، مدرسه و محیط های ورزشی" بهر اقدامی که توانسته اند، دست زده اند. و در این میان تلاش برای تحمیل یک شکل پوشش قرون وسطایی به همه زنان کشور از شما اقداماتی بود که روحانیت حاکم جهت درهم شکنن نیروی ترقیخواهانه زنان و فرستادن آنها به گنج خانه، با لجاجت و کینه نوری دنبال کرده است. اما مقاومت و مبارزه بیگیز زنان میهن مادر قبل اقداماتی که در خدمت با زنان صورت می گیرد، رژیم جمهوری اسلامی را طی شش سال گذشته از تحقق اهداف ارتجاعی اش باز داشته است.

تنها ریه های جمهوری اسلامی علیه زنان میهن ما یکی از سرچشمه های نفرت و کین توده ای نسبت به آن است. مردم بیخاسته و با فرهنگ میهن ما با مشاهده این تنبک ریه های ابوشان بی فرهنگ، دلایل بازم بیشتر برای محکومیت سیاست و کردار رهبری جمهوری اسلامی و تهدید مبارزه علیه آن می یابند.

دعوتی دیگر از غارتگران آریامهری

در ادامه روند تاملین و تضعیف منافع کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان در جمهوری اسلامی ایران، روزیازدهم مرداد، مقتدایی سخنگوی شورای عالی قضایی یکی دیگر از سلسله تصمیمات مصوبات ارتجاعی حکومت را اعلام کرد. اوطنی صاحب ای گفت: "آن دسته از صاحبان مستقلات که به از انقلاب به خارج از کشور فرستاده شدند و مستقلات آنان با آن حاکم شرع توفیق گردیده و زیر نظر دادستانی با نرخ عادلانه به افراد ذیل اجازه داده شده است، و مدارکی برای معادله آنها به دست نیامده، در صورت بازگشت به کشور، مستقلات و مبالغ مال الاجاره این مستقلات که از طرف دادستانی در حساب آمانی نگهداری شده، به آنها مسترد خواهد شد".

قبل از اینکه چنین تصمیمی توسط شورایی قضایی اتخاذ شود، از مدت قبل اموال آن دسته از صاحبان مستقلات که پس از انقلاب به خارج از کشور رفته اند، به میزان زیادی به آنان بازگردانده شده بود و بارها توسط مقامات جمهوری اسلامی اعم از رییس جمهور، رییس مجلس و رییس دیوان عالی کشور و دیگران، از جیب و لگزان فراری دعوت بعمل آمده بود که به ایران برگردند و به آنان تضمین و تاملین های لازم نیز داده شده بود.

مذتها قبل از اعلام اینگونه تصمیم های ارتجاعی و ضد مردمی توسط شورایی قضایی، تعداد زیادی از زحمتکشان بی سرپناه و آواره، که در انقلاب بنیمن، با اقدام مستقل خود، تعدادی از خانه ها و آبار تماشایی پیشتر متعلق به صاحبان مستقلات طاغوتی فراری را مصادره کرده بودند و همچنین کثیری از مردم زحمتکش و ولادیده کشور که در نتیجه جنگ، خانه و کاشانه خود را از دست داده اند، در برخی از این آبار تماشایی مستقر شده بودند، توسط پاسداران و کمیته جی ها به غیبا با آنها ریخته شده اند. حکومت جمهوری اسلامی، برای اینکه به کلان سرمایه داران و صاحبان مستقلات فراری تضمین های قانونی و محکمی داده باشد و برای اینکه از این پس، با دست بازتری به مقابله با زحمتکشان بی سرپناه برود، تصمیم اخیر را اتخاذ کرده است.

اینکه امروز آقای مقتدایی اعلام می کند: "مبالغ مال الاجاره این مستقلات که از طرف دادستانی در حساب آمانی نگهداری شده، به آنها مسترد خواهد شد"، از این واقعیت بوده برمی دارد که جمهوری اسلامی در حرف به حمایت از مستقلات شهروان می دادند، در همان حال عملاً "امانت دار" اموال سرمایه داران فراری بودند. حکومت نه تنها از مستقلات سرمایه داران فراری حراست کرد، بلکه بعنوان واسطه و به نیابت از آنان "مستقلات" را اجاره داد و بابت "مال الاجاره" مبالغی را دریافت و در حساب آمانی نگهداشت، تا امسروز به این میهن فروران فراری "مسترد" دارد.

امروز که تجار بزرگ غارتگر بر همه امور کشور جنگ انداخته اند و از طریق قبضه تجارت و توزیع و هندستی با انحصارات میرالیمتی میلیاردها میلیارد "سود شری" به جیب می زنند، بطور طبیعی، هرگونه تعرضی به مایلک غارتگران آریامهری را تهدیدی مستقیم علیه منافعی خود می دانند. امروز غارتگران آریامهری پس از تجار بزرگ، هم کاسه می شوند. شاهسرا، سودهای آنان یکی می شود. حکومت جمهوری اسلامی، صادقانه در خدمت حفظ و تحکیم کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی است و می کوشد تا ضرباتی را که به انقلاب مردم بر غارتگران وارد کرده، تمام و کمال و در کوتاهترین مدت جبران سازد.

آرزوی اوهیمنی ریگان

ریگان، رییس جمهور آمریکا، در آغاز یک سخنرانی انتخاباتی گفت: "همه میهنان من، آمریکاییان، ماه خرسندی من است که به اطلاعات من برسانم که به تازگی سند قانونی را امضا کردم که روسیه را برای همیشه غیر قانونی خواهد کرد، به ما ران تا ۵ دقیقه دیگر آغاز خواهد شد".

ریگان که مدتی بود به مانورهای تبلیغاتی درباره مساله صلح می پرداخت، بی پرده تر از این نمی توانست تمایلات و تمیضات را بیان کند. او که در تقیقه های سیاسی و نظامی خود، سلطنته برتری نظامی آمریکا در جهان را هدف قرار داده است، طی ۴ سال گذشته به انواع تنبک ریه علیه صلح جهانی متوسل شده است. کار رفتگی و بسبب تعطیل کشاندن مذاکرات شوروی و آمریکا پیرامون محدود کردن سلاحهای هسته ای، استقرار موشکهای میان برد در اروپا، افزایش تولید تسلیحات هسته ای و شیمیایی، اقدام به ایجاد سیستم جدید تبلیغاتی ضربتی کیهانی و موارد دیگر از این قبیل، در خدمت اهداف جنگ طلبانه دارودسته ریگان است.

خبرگزاری ناس اعلام کرد که: "اتحاد شوروی حمله به جمهوری آمریکا را که در مقابل اتحاد شوروی رییس نهایی صمانه و برای اطرط خطرناک است، محکوم می سازد. این رفتار با مسئولیت عالی که سران دول و قبل از همه دول دارای سلاح هسته ای در مقابل ملل خود سرونوشت بشریت به مهده دارند، وجه مشترکی ندارد... اتحاد شوروی به توجه به این مسئولیت تمام امکانات خود را برای حفظ صلح در جهان بر کار می گرفت و می گیرد.

در دوردست ریگان در طی دوران حکومتش، به سیاست تشنج فزایی در سطح جهان، شدت بی باقهای داده است. تروریسم هر چه آشکارتر به سیاست دولتی تبدیل شده و مقابل نظامی با کشورهای مستقل که حاضر به تبعیت از آمریکا نیستند، عموماً بی باقته است.

امیر یالیم آمریکا که گسترش جنگ، فروش اسلحه و غارت ثروت های ملی ملتها "ضامن حیثیت آنست، لاجوانه همه اقدامات و ابتکارات صلح یوانه و بشردوستانه اتحاد جماهیر شوروی را بدون پاسخ اصولی منکوت گذارده و بشریت را به لبه پرتگاه جنگ هسته ای سوق داده است. بی جهت نیست که جامعه کشورهای سوسیالیست و در رأس آن اتحاد شوروی که با مسئولیت و قدرت از امر خطیر صلح جهانی و کاهش تشنج بین المللی پاسخی می کنند، هدف کین و نفرت جنگ افروزان قرار دارند. اظهارات بی شرمانه اخیر ریگان، به روشنی تقابل امیر یالیم آمریکا را با تحکیم صلح جهانی و ایجاد امنیت بین المللی مشخص نمود. بی مسئولیتی سران آمریکان نسبت به تمام بشریت، ختم اناسهای صلح دوست و ترقیخواه سراسر جهان را برانگیخت. محافل اجتماعی و مطبوعات کوناگون سراسر جهان سخنان جنگ افروزانه ریگان را مورد انتقاد و اعتراض جدی قرار دادند. سخنان تازه ریگان، هتدرجی ایست به همه نیروهای صلح دوست و ترقیخواه جهان تا با صفوف متحدتر علیه جنگ و جنگ افروزان مبارزه کنند.

پیشنهاد اتحاد شوروی

برای حل مسایل خاور نزدیک

در ماه گذشته، اتحاد شوروی برای استقرار صلح پایدار و رحل و فصل همه جانبه مشکلات خاور نزدیک پیشنهاد جدیدی را مطرح ساخت. مطابق این پیشنهاد، باید تمام سرزمینهای عربی اشغال شده، در ۱۹۶۷ توسط اسرائیل، به کشورهای عربی بازگردانده شود، حق خلق عرب فلسطین، برای ایجاد یک دولت مستقل در کرانه غربی رود اردن و نوار غزه، پذیرفته شود، سازمان آزادیبخش فلسطین، بعنوان تنها نماینده قانونی فلسطین به رسمیت شناخته شود، بخش شرقی اورشلیم به کشورهای منطقه ضمیمه گردد و حق همه کشورهای منطقه برای زندگی مستقل و مطمئن تاملین و تضمین شود.

اتحاد شوروی پیشنهاد می کند، برای ایجاد کردن راه حل بحران خاور نزدیک، کنفرانس بین المللی با شرکت کشورهای سوری، اردن، مصر، لبنان، اسرائیل و سازمان آزادی بخش فلسطین بعنوان یگان نماینده خلق فلسطین، اتحاد شوروی و آمریکا تشکیل گردد. در مراحل بعدی، دیگر کشورهای خاور نزدیک هم می توانند در مذاکرات شرکت جویند.

پیشنهاد های سازنده اتحاد شوروی پیرامون حل همه جانبه و عادلانه مسایل خاور نزدیک، مورد استقبال کشورهای عربی و سازمان آزادی بخش فلسطین قرار گرفت. فاروق قدوسی، عضو شورای اجرایی سازمان آزادی بخش فلسطین، اظهار داشت که تشکیل کنفرانس بین المللی خاور نزدیک پیشنهاد اتحاد شوروی جهت اتخاذ تصمیمات همه جانبه بهترین راه است. یوسف فیهل، فزوهبری جنبه ترقی خواه سوری، اشاره کرد که ملت های عرب ابتکار شوروی را راهی به سوی حل و فصل عادلانه اختلافات اعراب و اسرائیلی می دانند. رشید کریمی، حمایت خود را از پیشنهاد اتحاد شوروی اعلام نمود. ولی امیر یالیم آمریکا رژیم صهیونیستی اسرائیل که منتهین بحران خاور نزدیک هستند، این بار نیز، با پیشنهاد اتحاد شوروی به مخالفت برخاستند. آمریکا و اسرائیل، تنها بر پیشنهادها و سیاست های اسرائیلی و رژیم صهیونیستی تاملین منافع استعماری آنان در منطقه است. در این میان رژیمهای مرتجع عرب، علیرغم تظاهر به "دفاع از فلسطینیان و حقوق ملل عرب"، قبل از هر چیزی، به حفظ و تحکیم دوستی و به عبارتی دیگر سربرداری، خود به آمریکا تا کید دارند و از این طریق، زمینه ساز تقیقه های استعماری و تجاوز - کارانه آمریکا و اسرائیل در منطقه هستند. بدون شک، منافع طبقه ای عرب منطقه ایجاب می کند که پیشنهاد های اتحاد شوروی قویا از سوی مسئولان عرب و همه نیروهای ترقیخواه مورد حمایت فزاینده قرار گیرد.

از میان گزارشها

اخبار زیر از میان گزارشهای
رفقا انتخاب و تنظیم شده است

سرکوب خونین اعتصاب کارگران کانادا دارای

در میان اعتصابات کاری ماه مرداد، اعتصاب کارگران کانادا دارای جای مهمی دارد. در این اعتصاب و احدتولیدی که متعلق به شرکت سائان است، هزاران کارگر کار می کنند. در روز ۲۸ تیر کارگران در اعتراض به اخلاقیهای مدیریت تیزرکا در جریان طرح طبقه بندی مشاغل و تیزر برای دریافت حقوق بهره وری، دست از کار کشیده و در محوطه کارخانه اجتماع می کنند. مدیر کارخانه در برابر اعتصاب یکبارچه کارگران موقتاً عقب نشینی کرده و فریبکارانه برای انجام مطالبات آنها تقاضای فرست کرد. کارگران می پذیرند برای چند روز اعتصاب را معلق گذاشته و مبارزه را فقط با کم کاری دنبال کنند.

چند روز بعد در سوم مرداد، وقتی که کارگران مطمئن می شوند، وعده و وعید مسئولین تنها برای اتلاف وقت است، مجدداً اجتماع کرده و علاوه بر مطالبات پیشین، اخراج چند تن از مدیران ضد کارگران را نیز خواستار می شوند. در پی تجمع مجدد کارگران، نفقات ارتقا نهای سرکوب تیزرکا پس از دیگری وارد کارخانه می شوند. افراد کمیته مستقر در اوین (ریاست معاون لاوردی)، نفقات کمیته مستقر در بنیاد مستضعفان و واحدهای شهر با نیسی کارخانه را اشغال و کارگران را محاصره می کنند. معاون لاوردی که رهبری عملیات را بر عهده گرفته بود، ابتدا می گوید با سخنرانی کارگران را مرعوب و متفرق نماید. اما آنها در برابر تهدیدات نماندند. جلاد اوین دلیرانه ایستادگی کرده و حاضر به ترک اعتصاب نمی شوند. سرکوبگران که از همانجا با مقامات بالا در تماس بودند، با پرتاب گاز اشک آور شروع به براندازی ساختن کارگران اعتصابی می کنند. با ساداران جنایتکار ارتجاع برای درهم شکستن مقاومت قهرمانان کارگران این کارخانه و پاشاندن تخم هراس در میان دیگر کارگران و زحمتکشان، همراه با پرتاب گاز اشک آور، اعتصاب کنندگان را به درگیری می بندند. در نتیجه ایستادن جنایت دهبان کارگران مجروح شد. با ساداران رژیم برخی از مجروحین را از بیمارستانها بیرون کشیده و همراه با دیگر دستگیر شدگان روانه زندان کردند. تعداد کشته شدگان هنوز نامعلوم است.

این جنایت رژیم در میان دیگر کارگران نفرت عظیمی برانگیخت. کارگران دیگر شعبات شرکت سائان و کارگران کارخانجات هم جو را از قبیل کارخانه شیشه و کاربا کارگران اعتصابی آسزاز همبستگی کرد.

اعتصاب پیروزمندانه کارگران جنرال

در کارخانه جنرال صنعتی تصمیم مدیریت مبنی بر عدم پرداخت حقوق مرخصی سالانه کارگران با اعتراض تند آنها روبرو می شود. کارگران در برابر ادامه لجاج مدیریت، دست به اعتصاب می زنند. اعتصاب از کارگاه شماره ۲ آغاز و به سرعت تمام کارخانه را در بر می گیرد. اعتصاب کنندگان علاوه بر حقوق یک ماه مرخصی، خواستار دریافت حق بهره وری، از مقامات نخست وزیری و مسئول کارخانه کارگران می گویند با مذاکره، کارگران را از ادامه اعتصاب باز دارند. در پی ادامه اعتصاب، هیاتی از مقامات زندان اوین وارد کارخانه می شوند. سرپرست هیات در جمع کارگران به سخنرانی می پردازد و مطالبات معمول آنها را تهدید می کند. او موافقت با خواسته های اعتصاب کنندگان را مشروط به سازمانهای شناسایی و معرفی کارگران وابسته به سازمانهای سیاسی مترقی توسط دیگر کارگران می کند. این پیشنهاد در ذیل به با نزار هم کارگران روبرو می شود. مقاومت و اعتصاب ادامه می یابد تا بالاخره پس از چند روز با پیروزی کارگران به پایان می رسد. قطعنامه پایانی اعتصاب پرهمبستگی و رزمجویی کارگران مجدداً تاکید می کند.

مبارزه مشترک کارگران قزوین

اخیراً اتحادیه تعاونی های ممکن کارگری قزوین با فشار سازمانهای دولتی متحمل گردیدند. این اتحادیه که بیش از ۷۰ تعاونی مسکن را تحت پوشش دارد، مبارزه مداومی را برای گرفتن زمین و تهیه مسکن کارگران در پیش برده بود. انضام خودسرانه این اتحادیه با مخالفت جدی کارگران عمورو روبرو گردید. نمایندگان کارگران در تاریخ ۵ تیر در محل اداره کار قزوین اجتماع کرده و خواستار قانونی شناخته شدن اتحادیه شدند. در این اجتماع تصمیم گرفته شده که اتحادیه همچنان به کار خود

ادامه دهد. به این خاطر برای پیشبرد امور، دو کمیسیون از نمایندگان منتخب کارگران تشکیل شد. یک کمیسیون پیگیری امورات مسکن و کمیسیون دوم، حل و فصل مشکلات حقوقی ناشی از انحلال و رسمیت بخشیدن اتحادیه را بر عهده دارند.

موفقیت کارگران ایران دوچرخ

کارگران کارخانه ایران دوچرخ برای دستیابی به برخی از مطالبات خود از جمله افزایش دستمزد و تعطیل شدن روزهای پنج شنبه، در روز ۲۳ خرداد دست از کار کشیده و اعتصاب می کنند. کوشش مقامات برای درهم شکستن اعتصاب کارگران به نتیجه نمی رسد. به دنبال آن واحدهای با ساداران منسلح پیوسته آورده، کارخانه را اشغال کردند. کارگران نه تنها مرعوب شده و دست از اعتصاب نکشیدند بلکه شروع به راهپیمایی کردند. با ساداران سیاه که نگران گسترش حرکت اعتصابی به دیگر کارخانجات منطقه بودند، کارخانه را محاصره و از خروج آنها جلوگیری کردند. در برابر یکبارچگی و استواری کارگران، مسئولین مجبور شدند به مذاکره تن دهند. در پایان کارگران با دست یابی به برخی از مطالبات به اعتصاب خاتمه می دهند. مبارزه برای دستیابی به دیگر مطالبات ادامه دارد.

در همین کارخانه در اوایل تیر با دیدگی از مقامات روحانی منطقه فرستی شد تا کارگران بار دیگر مشکلات و مطالبات خود را طرح نمایند. کارگران در حین سخنرانی این مقام، بی توجه به تهدیدات، یکی پس از دیگری برخاسته و خواسته های شان را بازگو کردند. روحانی مذبذب این خواسته ها را غیر شرعی نامید و سخنرانان را با لاف و هوسر به شلاق محکوم می کند. واکنش یکبارچه کارگران نه فقط اجرای این کمزرا عقیم می گذارد بلکه مقام مزبور را به فرار از کارخانه وادار می نماید.

کارگران به جنبه ها کمک نمی کنند

باینکه برای جمع آوری کمک مالی از کارگران برای جبهه های جنگ، فشارهای گوناگونی اعمال می شود، امتناع کارگران هر روز گسترده تر می شود. آنها حاضر نیستند برای جنگی کمک کنند که به

زیانشان و به زیان همه مردم جریان دارد. در کارخانه تولید و تمهید روغن تهران (اسو) مدت است که کمک داوطلبانه قطع شده است.

علیرغم فشارهای موجود اخیراً کارگران یکبارگی از کمک به جبهه دست کشیدند. به دنبال آن مدیر و سرپرستان کارخانه در حالیکه لیست نامی کارگران را در دست داشتند به تک آنها مزاجه کرده و آنها را تهدید و حتی با خواهش و تمنا از آنها خواستند برای

جبهه جنگ کمک مالی بدهند. آنها حتی به دریافت مبلغ ناچیزی هم راضی بودند. با وجود این با زهم کارگران از دادن کمک خودداری کرده و سرپرست و مدیران را دست خالی بازگردانند.

در کارخانه شماره ۱ روغن ورامین از مدتها قبل معادل یک روز حقوق کارگران را از حقوق ماهانه آنها کاسته و به جبهه ها اختصاص می دادند. کارگران که دیگر به این کار راضی نیستند به مسئولین کارخانه اعتراض کردند. آنها بدین خواسته ها

کارگران را مشروط به تقاضای دیگری نمودند. مسئولین کارخانه حساب می کردند کارگران با توجه به خطرات و عواقب تقاضای کتبی قطع کمک به جبهه، آن را صرف نظر می کنند. اما برخلاف تصور آنها تعداد زیادی از کارگران خواسته خود را کتباً بر نمودند.

در کارخانه جیت ممتاز تقاضای انجمن اسلامی برای جمع آوری کمک مالی برای جنگ از سوی کارگران رد شد. امضا آنها به نتیجه نرسید و تنها مسدودی از کارگران داروهای مانده و بلا مصرف را به عنوان کمک به آنها می دهند.

تخریب سرپناه زحمتکشان و واکنش مردم

اقدامات واحدهای تخریب شهرداری در حاشیه تهران بطور افزاینده با مقاومت مردم روبرو می شود. زحمتکشان خارج از محدوده "ک" مبارزاتشان طبعیه انقلابی بود که رژیم شاه را به گورسیرد، اینک نیز در برابر تعدیات ما مورین رژیم جنوری اسلامی از پانمی نشینند. در شاد شهر، قلعه حسن خان، چیت گر، خانی بادنوو... صحنه های دلیرانه ای از مقاومت مردم در برابر ما مورین دولتی و نیروهای انتظامی به نمایش گذاشته شد. در این میان، مقاومت زحمتکشان در شاد شهر جلب نظر می کند؛ در اردیبهشت ماه واحدهای تخریب به این شهر حمله می کنند. شهردار، قائم مقام فرماندار، بخشدار منطقه و نفقات کمیته با آنها همراهی می کردند. در جریان اولین روز حمله که هنوز مردم محل آمادگی کافی نداشتند، ما مورین واحد های تخریب موفق شدند ۲۵ خانه را ویران کنند.

به دنبال این حادثه، مردم که اطمینان داشتند از مراجعه به مسئولین نتیجه نخواهند گرفت و یقین داشتند که حمله ادامه خواهد یافت، آماده مقابله شدند.

به دفاع برخاسته، ماشین های شهرداری را از کون و با یاساران کمیته درگیری شوند. مهاجمین درینا تیراندازی با ساداران عقب نشینی می کنند. به دنبال این درگیری ۱۶ تن از اهالی محصل دستگیر و روانه زندان قصر می شوند. تهاجمات سعدی ما مورین به این منطقه نیز با مقاومت مردم روبرو گردیدند.

بلسوای حجاب

همزمان با تهران، در شهرستانها نیز جماعتی از رژیم به پهنه مبارزه با بی حجابی به خیابانها ریخته و در همه جا با ضرب و شتم زنان و مردان، به ایجاد رعب و وحشت پرداختند. همانگونه که در تهران در هفت حوش نارمک، تهران پارس، خیابان مصدق، پارک شهرو... مردم در موارد بسیاری در برابر آویسان و خشکیهای بیستادگی کردند. در شهرستانها نیز تهاک ربهای جماعتی بی پاسخ نماند. بعنوان نمونه فشمرد ای از گزارش این واقعه را در شیراز درج می کنند:

در این شهر سازمانگرایان بلسو، امام جمعه حاشری شیراز می بود، از ضمن انجام تدارک آن، در نماز جمعه رسماً و علناً از آویسان می خواهد به خیابانها بریزند. چند روز بعد طبق برتا همه آویسان جماعتی به خیابان گسیل می شوند. آنها که توسط نفقات منسلح گشت بقیه الله اسکول می شدند، زنانی را که بر عهده حجاب کامل نداشتند و فرزندان و همراهم آنها و همچنین مردان با پیراهن آستین کوتاه و ریش تراشیده را وحشیانه مورد ضرب و شتم قرار دادند. وحشیگریهای ما همین در بسیاری از نقاط مقاومت دلیرانه ای برانگیخت. مردم به حمایت از قربانیان این بلسو برخاستند که با مسدود کردن زو خوردن سنگینی بودند. بعد از آن رخ داد، خیابانهای زند، داریوش، مشیر قاسمی و چهار راه سینما سعدی توسط آویسان قرق شده بود. تعداد مجروحین این ماجرا هنوز مشخص نشده است. مقاومت و حزم عمیق مردم، مقامات شهرداری به عقب نشینی واداشت و به دنبال آن حاشری شیرازی و دیگر مسئولین، دستجات آویسان را از خیابانها بیرون کشیدند.

مردم شیراز معتقدند که حکومت با این عملیات می خواست انتقام عمل شرکت آنها را در انتخابات بگیرد.

مبارزه روستاییان اقلید و نورآباد

بر همه مشکلات روستاییان منطقه اقلید و نورآباد فارس، عوارض خشکالی نیز افزوده شده است. بی توجهی مقامات دولتی به وضعیت فلاکت کشا و کشت و زران و مداران فقیر، خشم آنان را برانگیخت و به درگیری زحمتکشان منطقه با ما مورین رژیم انجامید. دولت نه فقط از تامین علوفه مورد نیاز زاده مداران فقیر خودداری می کند، بلکه بخش قابل توجه علوفه موجود را به دامداران بزرگ اختصاص داده است. اعتراض افراد زحمتکشان عشاری منطقه نورآباد به این وضعیت، باعث درگیری شدیدی میان آنان و ما مورین دولتی گردید. نیروهای انتظامی رژیم گروهی از دامداران فقیر را دستگیر و زندانی کرده اند. به دنبال این واقعه، امام جمعه در یک مراسم دولتی به مردم مقاوم عشار حمله کرده و آنان را تهدید کرد که مقاومت عشاری به این سخنان، زحمتکشان عشاری در سطح شهر نورآباد دست به راهپیمایی زدند. این راهپیمایی با ردیگره زو خوردن نیروهای نظامی منجر شد.

گروهی از کشتاورزان این منطقه نیز که کشتزارهایشان در حال نابودی است در اعتراض به بی تفاوتی مقامات دولتی در اطراف سداریوش اجتماع می کنند (آب مزاج توسط این سداریوش تامین می شد) ما مورین انتظامی به اجتماع دهقانان حمله کرده و درگیری ایجاد کردند.

دولت به جای پاسخ دهی به مطالبات سرحق روستاییان علاوه بر سرکوب مستقیم، بی کوشش تفرقه افکنی دهقانان را از مبارزه مشترک بازدارد. از جمله ما مورین حکومتی کوشش بسیار می کنند که بر تفرقه اندازی میان دهقانان روستاهای پشت بندوبیزه روستاییان دوان و اسانس برای بی اثر کردن مبارزات روستاییان تکیه کنند.

**با جمع آوری
کمک های مالی
فدائیان خلق را در انجام وظایف
انقلابی خود یاری دهید**

اعدام مخفیانه انقلابیون

مطابق گزارشهای رسیده از زندان، دهها تن دیگر از زندانیان سیاسی، مخفیانه در زندان اوین به جوخه اعدام سپرده شدند. این شهدا از اعضا و هواداران سازمانهای انقلابی بودند و در زندانها و بازداشتگاهها، مبارزه خود را علیه ارتجاع تا به آخر ادامه دادند. نشریه مجاهد گزارش داد: مجاهد خلق حبیب خیبری، کاپیتان تیم ملی فوتبال نیزه در میان اعدام شدگان بوده است. هجوم فاشیستی علیه سازمانهای انقلابی و اعدام جمعی بدون محاکمه و مخفیانه اعضای آنها در نژاد سرکشور، همچنان ادامه دارد. انقلابیون و مبین پرستان به جرم دفاع از منافع توده های مردم، به میدانهای اعدام روانه می شوند و به زندانهای سنگین محکوم می گردند. تعداد بی شماری از زندانیان سیاسی زیر شکنجه های درخیمان رژیم جان می سپارند. ارتجاع حاکم برای تحکیم رژیم استبدادی خود، سرکوب و حشایش فداییان، توده ایها، مجاهدین و سایر نیروهای انقلابی را همچنان شدت و گسترش می دهد. درخیمان رژیم و خود فریبگان و مزدوران در زندانها، انقلابیون را تحت فشار شدید جسمی و روحی قرار می دهند و تلاش برای خرد کردن روحیه زندانیان و سرهم کردن شوهای تلویزیونی کار هر روزه آنهاست.

اعدام مخفیانه دهها تن از زندانیان سیاسی، در شیراز (۳۵ نفر) و کازرون (۸ نفر) به اعدام و سندان نمونه های دیگری از جنایات بی شمار حاکم خائنین جمهوری اسلامی است که می گویند با ترور همسایه مبین پرستان و مخالفان فکری و عقیدتی خود، توده های مردم را خاموش سازند. در مقابل این موج سرکوب و خفگان فقط یک راه باقی است: «باید برای پیکار با ارتجاع فکری و عقیدتی خود، بی سابقه و برای دفاع از زندانیان سیاسی و آزادی آنها، متحد و یکپارچه عمل کرد».

باطمینان باید گفت که هیات حاکمه هرگز قادر نیست و نخواهد بود در برابر مبارزه توده های میلیونی خلق بایستد. هم اکنون اعتراض خلق و بحران درون حکومت پایه های حاکمیت ارتجاع را به لرزه آورده است. اتحاد مبارزه ما علیه ارتجاع حاکم بی گمان با ردیگر آزادی و شکوفایی ربه مبین ستم زده ما باز خواهد گردانید.

"مجاهدین افغان"

با سلاح شیمیایی آمریکایی علیه انقلاب

اخیرا نیروهای امنیتی افغانستان، در جریان سرکوب پیروز مندانه ضد انقلابیون به استاد تاهه ای از کاربردهای شیمیایی توسط به اصطلاح "مجاهدین افغان" دست یافته اند. یکی از این اسناد، نامه ای است به ابغالی "کلبدین حکمت یار" سردسته باندیه اطلاع حزب اسلامی و سند دیگر نامه ای است از طرف باند "حرکت انقلاب اسلامی" خطاب به سرکرده باند در ولایت فراه.

دولت ریگان، برای گسترش کشتار روویرانی در افغانستان انقلابی و برای ارسال سلاحهای مرکب شیمیایی و سلاحهای مدرن، در ماه گذشته مبلغ ۵ میلیون دلار در اختیار سازمان "سیا" قرار داد تا به باندهای جنایتکار افغانی کمک نماید. با این مبلغ، کمک آمریکا در سال جاری به نیروهای ضد انقلاب در افغانستان به ۸۵ میلیون دلار می رسد.

کشورهای نیروهای انقلابی، همواره استفاده از سلاح شیمیایی را که یکی از فزاینده ترین وسایل کشتار است، در هر شرایطی و هر کجا محکوم و توجیه کرده اند.

آمریکا تولید کننده، ذخیره کننده، توزیع کننده، مصرف کننده اصلی سلاح شیمیایی در سراسر جهان است. آمریکا تاکنون با کاربردهای سلاح شیمیایی علیه خلقها، جنایات هولناکی آفریده، کاربردهای گسترده سلاح شیمیایی در ویتنام، خشم انزجار همه بشریت و تمام مردم آمریکا را نسبت به این جنایت بیعانه دولت آمریکا به شدت پرانگیزد.

امروز هم دولت ریگان، "مجاهدین راهزن افغانی" را به این سلاح مذشری مجرمی کثرت شایسته بدین وسیله مردم افغانستان را متروک و جمهوری دموکراتیک خلق افغانستان را منکوب سازد. اما این قبیل اقدامات افغانی، اگرچه موجب خونریزی و جنایت و خشتاک است، اما سرنوشته ضد انقلابی افغانستان را تغییر نخواهد داد و راه برای سلطه مجدد آمریکا باز نخواهد کرد.

در زیر نمونه هایی از اسناد منتشر شده از سوی جمهوری دموکراتیک خلق افغانستان را می بینید که کاربردهای سلاح شیمیایی، از سوی "مجاهدین افغانی" را افشا می سازد.

بیاد صمد

"مرگ خیلی آسان می تواند به سراغ من بیاید. اما من تا می توانم زندگی کنم نباید به پیشواز مرگ بروم. البته اگر یک وقتی ناچار با مرگ روبرو شدم - که می شوم - مهم نیست، مهم اینست که زندگی با مرگ من چه اثری در زندگی دیگران داشته باشد."

"ماهی سیاه کوچولو"

دهم شهریور، ۱۶ سال از مرگ رفیق صمد بهرنگی می گذرد. صمد آموزگار روتیسنده انقلابی، مبارزی پرشور و بیگانه از فرهنگشان و پیشگامان جنبش فداییان خلق ایران بود. زندگی پر بار او سرشار از عشق عظیم به مردم، پیوند نزدیک با آنان و آگاهی عمیق از درد ورنج زحمتکشان بود. فعالیت انقلابی رفیق صمد بهرنگی با پایه گذاران جنبش فداییان خلق رفقا بهرنگی و رفیق علی رضا تابدل و امیر پرویز بویان در آثار ادبی و سیاسی او تعلق یافته است. کتابها و قاصدهای صمد، مشخون از عزمی انقلابی برای آگاه کردن و بسیج توده همدار و نابودی نظام ظلم و ستم و استثمار و برابری جامعه ای فارغ از زنجیر است. روشنگری گویای او از علل زندگی محنت بار مردم و رنجهای کودکان محروم، چهره حقیقی و منشا واقعی تلخ و دردناک جامعه فاسد مردمی حاکم آری می شناساند. محلهای ساده مبارزه در قاصدهای صمد بهرنگی، کودکان، مقامین مبارزه ای انقلابی را بر سر محور نابودی نظام فاسد مردمی می دهد. نقش و موقعیتی که صمد در روایتی با فرهنگ فاسد و مردمی رژیم منکشف شده داشته است و تاثیر گسترده اندیشه های راهگشا او بر توده وسیع جوانان، آنچنان بود که رژیم خیانکار شاه آزار بهرنگی را "منوعه" و "ضاله" اعلام کرد و سواک سفاکانه توجوه آن ربه جرم خواندن قاصه های صمد به شکنجه و زندان کشید. اما اندای بیداری آزاد اندیشی، آگاهی و مبارزه جویی صمد، چنان شور انقلابی جوانان را شعله ور ساخت که در مبارزات قهرمانانه و خروشان پرشکوه آنان در انقلاب، صف و سنگری نبود که از صدمه عزم و الهام نگرفته باشد. اما رهبران جمهوری اسلامی با مواضع بی غایت ارتجاعی و علیه علم و اندیشه و فرهنگ انقلابی و در هر اساز شیروان فزون چنان بیینی علمی، ارجمند و انقلابی انقلاب به تلاش برای خاموش کردن شعله حقیقت جویی و ترقی خواهی جوانان برخاستند. حکومت خائنین به انقلاب، امروز هم راه با سرکوب و حشایش احزاب سازمانها و نیروهای انقلابی و مترقی از هیچ تلاش جنایتکارانه ای جهت خفه کردن هرگونه اندیشه ای بویا فرودگذاشته نمی کند. در این هنگام، ارتجاع که حتی از نام انقلابیون چون "بهرنگی" در وحشت است، با ردیگر به سوزاندن آثار صمد متوسل شده است. اما راه صمد آموز شوهای او نابود شدنی نیست. این با مردم با تجربه و آگاهی میقل یافته و بیدیده قهرمانان بهیضا رقصه های حقیقی روزهای انقلاب، از درون آثارش با نوجوانان و جوانان سخن می گوید. صمد همچنان عشق به خلق و کینه به دشمنان مردم را در دل آنان می پرورد و گویا تر از همیشه می آموزد که چرا رگزان و زحمتکشان بر حق تلخ و بی ادب علیه ارتجاع، زور، ستم و استثمار سرمایه داران و غارتگران مبارزه کرد. صمدی آموز که چگونه با آگاهی و شکیبایی و فداکاری می توان و با پادراه مبارزه را جستجو کرد و در راه پیروزی، دشواریهای جانفرسا را به جان خرید.

صمد بهرنگی به عنوان یکی از زرمندان و پیشگامان برجسته جنبش انقلابی ایران، یکی از رهگشایان جنبش فداییان خلق، و یکی از سیماهای پرفرور و ادبیات انقلابی و مردمی کشور ما در قلب مردم و در تاریخ مبین ما جاودانه است.

آدمی با سرافراشته باید بزید
و سرافراشته باید میرد
و به دشمن سر تسلیم نیارد در پیش
و انهد در ره آزادی خلق
هندهستی خویش



گرامی باد یاد شهدای مردادماه، فدائیان خلق؛ طیمورت اکبری، هاشم با باعلی غلامحسین بیگی، یعقوب تقدیری (امیر)، حسن جان لنگوری، علیبا زجبا نیازی، ابوبکر حمیدی، پرویز داری، اعظم السادات روحی آهنگران، ایرج سیبری، حسن سعادت، علیرضا شکر افشار، حسن صالحی، پروین فاطمی، عباس کابلی، علی میرشکاری، احسن ناهید، شهریار ناهید، جمیل یخچالی، پرهرو باد را هشان، جاودان پادشان

توطئه های زبانه علیه فدائیان

رژیم به موازات تهاجم سراسری علیه سازمان، در زندانها و شکنجه گاهها، خصوصاً در زندان اوین رفقای زندانی مارا که طی به سال اخیر، بازداشت شده اند، تهدید شکنجه می دهد. هدف رژیم ارتشده شد شکنجه مسئولین و اعضای سازمان از سوی استبداد است. از سوی دیگر تلاش است برای ضربه زدن به سازمان از طریق سرهم کردن نمایشهای تلویزیونی. ارتجاع که می بیند فداییان خلق به اشکال مختلف نبرد سازمان یافته خود را زیر سنگین ترین حملات ارتجاع بش می برند و به زحمتکشان نوپدا آزادی می دهند، از خشم به خود می پیچد. حضور سازمان یافته و فعال فداییان خلق در محیط های کار و زندگی مردم، ضرتی سخت به رجز خوانیها و خود ستایی های حکومت از درمی سازد و ناتوانی آن را در برابر انقلابیون برملا می کند. از اینرو ارتجاع همه قوای خود را گرد آورده تا سازمان ما را درهم شکند و توده محروم و زحمتکشان ایران را از این سنگر استوارش محروم سازد.

ناتوانی رژیم در دستیابی به این مقاصد بلند، وی را وامی دارد تا رفقای اسیر ما را هر چه بیشتر زجر دهد و تلاش کند با نیرنگهای رسوا شده ای مثل نمایشهای تلویزیونی به سازمان ضربه بزند و برای شکستهای خود، بیوشی فراهم کند. اما چنین بیوشی، مدتهاست که دریده شده و دیگر نفرت انگیز و نفرت عفریت ارتجاع ازورای آن نمایان است. شکنجه جسمی و روانی رفقای ما، که در مواردی بیش از دو سال است بطور متداوم ما دارد، خشم و نفرت مردم را بیش از پیش علیه ارتجاع برمی انگیزد.

اخیرا که از شکنجه و مقاومت اسیران انقلابی به بیرون در می کند ندراندک مدتی در سراسر جامعه و درجهان بخشی می شود و شعله های نفرت علیه حکومت جمهوری اسلامی را سوزنده تر می سازد. توطئه های رژیم برای کوبیدن سازمانهای انقلابی، اگرچه بسیار خونین، اما بی حقیقت است. سازمانهای انقلابی که در بین خلق نطفه بسته اند، در آغوش عزم و رزم خلق رشد می کنند و ربه خورشید ارمانهای خلق پیش می روند. سازمانهای انقلابی ریشه در اعماق زندگی مردم دارند و هر چه ارتجاع، با اساس مرگ از صوف آنها درو کند، ساز داد با توتو نسندمی رو بیاید و بر ما رشان آفرود می شود. تاریخ چهل ساله حزب توده ایران، و آزمونهای سنگر فداییان گواه با رزمین حقیقت است.

فداییان خلق، همه نیروهای انقلابی و مبین پرست را فرامی خوانند تا برای تسریع شکست توطئه های خونین ارتجاع علیه اسیران انقلابی برای دفاع از حقوق زندانیان سیاسی، با اسیران دادن به شکنجه و کشتار انقلابیون و آزادی اسیران از بند ارتجاع، نبرد خود را هماهنگ و متحد سازند. ما از همه سازمانهای انقلابی و مبین پرست ایران و از همه احزاب و سازمانهای انقلابی و ترقیخواه جهان، دعوت می کنیم، علیه شکنجه رفقای اسیر ما و توطئه های حکومت اوین برفد فداییان، اعتراض خود را رسا تر سازند.

با کلام مکاتبه کنید!

رفقا و دوستان عزیز!
تشریه کار ارگان کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) امکان ارتباط همخوانندگان خود را با تشریه فراهم کرده است. همه مبارزین انقلابی می توانند اخبار و اطلاعات و همچنین پیشنهادهای و نظرات خود را به آدرس زیر برای تشریه کار ارسال کنند.

اطریش:
Pf. 10
1091 WIEN
AUSTRIA

Dr. J. Salami
مردم ایران را از سرکوب و حشایش رژیم پهلوی نجات دهید

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران

تشریه کار ارگان کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) امکان ارتباط همخوانندگان خود را با تشریه فراهم کرده است. همه مبارزین انقلابی می توانند اخبار و اطلاعات و همچنین پیشنهادهای و نظرات خود را به آدرس زیر برای تشریه کار ارسال کنند.

اطریش:
Pf. 10
1091 WIEN
AUSTRIA